

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محافظه کاری در حسابداری

تالیف:

محمود نوذر پور شمی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز بین المللی خلیج فارس خرمشهر

mahmoud_nozarpour@yahoo.com

سرشناسه : نوذریپور شمی، محمود، ۱۳۶۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : محافظه کاری در حسابداری/نگارنده محمود نوذریپور شمی.
 مشخصات نشر : تهران: ندای کارآفرین، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری : ۷۲ ص.
 شابک : 978-600-7907-26-9
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا
 موضوع : صورت‌های مالی
 موضوع : حسابداری
 رده بندی کنگره : HF۵۶۸۱/ت۴ن۹۴ ۱۳۹۴
 رده بندی دیویی : ۳/۶۵۷
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۹۶۶۴۵

نام کتاب : محافظه کاری در حسابداری
 نویسنده : محمود نوذریپور شمی
 طراح جلد : آرش جهانی
 تیراژ : ۱۰۰۰
 نوبت چاپ : اول ۱۳۹۴
 قیمت : ۵۰۰۰ تومان
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۰۷-۲۶-۹



مرکز پخش: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، کوچه انوری، پلاک ۲۹

تلفن تماس : ۶۶۴۰۲۷۲۲

www.NedayeKarafarin.ir

فهرست

۷	مقدمه
۹	فصل اول: اصول حسابداری
۱۵	فصل دوم: محافظه کاری در حسابداری
۱۶	تاریخچه
۱۷	تعریف محافظه کاری و مفهوم آن
۲۶	شواهدی از توجیحات محافظه کاری
۲۸	شواهدی از داده های مقطعی
۲۸	تفاوت در بین شرکتها
۲۹	تفاوت در بین کشورها
۳۱	تمایز بین توجیحات محافظه کاری
۳۲	انتقاد از محافظه کاری
۳۳	محافظه کاری مشروط و نامشروط
۳۵	محافظه کاری و جانبداری
۳۶	محافظه کاری و راهبری شرکتی
۳۷	جایگاه محافظه کاری در استانداردهای حسابداری
۳۷	معیارهای ارزیابی محافظه کاری
۳۸	معیارهای خالص دارایی ها
۳۸	معیارهای سود و اقلام تعهدی
۳۹	معیارهای رابطه سود و بازده سهام
۴۰	روش های اندازه گیری محافظه کاری
۴۰	روش های اندازه گیری محافظه کاری مشروط
۴۲	روش های اندازه گیری محافظه کاری نامشروط

۴۵	فصل سوم: سودآوری
۴۷	سود حسابداری
۴۹	اهمیت سود و کیفیت آن
۵۱	سود به عنوان معیار سنجش کارایی
۵۲	عوامل موثر بر گزارشگری به موقع سود
۵۳	نظریه کیفیت سود
۵۵	پایداری سود
۵۸	محتوای اطلاعاتی سود
۶۱	فصل چهارم: محافظه کاری از دید پژوهشگران
۶۹	فهرست منابع

مقدمه

توسعه بازار سرمایه یکی از محورهای اصلی رشد و توسعه اقتصادی در هر جامعه‌ای می‌باشد. در این راستا پس از پایان جنگ تحمیلی، بازار سرمایه ایران تحولات نسبتاً زیادی را تجربه کرده است که از جمله می‌توان به فراز و نشیب‌های عمده در معاملات سهام، حجم عمده واگذاری سهام شرکت‌های دولتی از طریق بورس اوراق بهادار تهران و افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را نام برد.

محافظه‌کاری (احتیاط) یکی از خصوصیات کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات مالی است. در مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی محافظه‌کاری عبارت است از کاربرد درجه-ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است. به‌گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیش‌تر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کم‌تر از واقع ارائه نشود. محافظه‌کاری واکنشی محتاطانه نسبت به ابهام است. اگر ابهام وجود نداشته باشد، نیازی به محافظه‌کاری نیست و هرچه ابهام و ریسک بیش‌تری وجود داشته باشد، نیاز بیش‌تری به محافظه‌کاری وجود دارد (شباهنگ، ۱۳۸۳). همچنین، سود حسابداری و سودآوری از مباحث بسیار مهم در ادبیات و تحقیق‌های حسابداری است.

رسوایی‌های مالی اخیر در سطح جهان، از انرون و ورلدکام در آمریکا تا پارلامات در اروپا، سبب شده است که انگشت اتهام به سمت گزارش‌گری مالی نشانه رود. صورت‌های مالی هسته‌ی اصلی فرآیند گزارش‌گری مالی را تشکیل می‌دهند.

صورت‌های مالی و در رأس آن‌ها صورت سود و زیان (رقم سود خالص) در کانون توجه سرمایه‌گذاران قرار دارد. در سال‌های اخیر مبحث کیفیت سود گزارش شده مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. یکی از جنبه‌های کیفیت سود محافظه‌کاری است؛ بدان معنا که هر چه محافظه‌کاری سود بیشتر باشد، کیفیت آن بالاتر است (گیلن و استارکس^۱، ۲۰۰۳).

باسو^۱ (۱۹۹۷) معتقد است که محافظه کاری در حسابداری حداقل صد سال قبل با هدف جلوگیری از ارائه‌ی غیر واقعی وضعیت واحد تجاری و کاهش ریسک ورشکستگی از طرف گروه‌های مختلف به ویژه تامین کنندگان سرمایه مطرح شده است. از نظر باسو محافظه کاری الزام به داشتن درجه‌ی بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان است.

محافظه کاری یکی از مفاهیم اساسی حسابداری بوده که توسط هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی و در بیانیه مفهومی شماره‌ی ۲ مورد توجه قرار گرفته شده است.^۲ هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی محافظه کاری را چنین تعریف می‌کند: واکنش محتاطانه برای اطمینان از این‌که وضعیت اقتصادی و مالی شرکت به میزان کفایت ارائه شده است (بیدل، ما و سونگ^۳، ۲۰۱۱).

روبه‌های حسابداری محافظه کارانه، مدیران را از رفتار فرصت‌طلبانه و خوشبینی بیش از حد در ارائه‌ی سود باز داشته، سبب گزارش سودهای قابل اتکاتری می‌گردد (چونگ، فیرت و کیم^۴، ۲۰۰۲).

یکی از دلایلی که باعث پذیرش اصل استفاده از ارزش‌های جاری می‌شود، امکان انتقال اطلاعات مفید و به موقع به استفاده کنندگان صورت‌های مالی است. این باعث می‌شود که تصویر اقتصادی صحیحی از شرکت منعکس شود و سود دارای نوسان بیشتری باشد. در مقابل محافظه کاری حسابداری منجر به نوسان کم سود می‌شود (کان و واتس^۵، ۲۰۰۷).

1 - Basu

2 - Statement of Financial Accounting Concepts (SFAC) No. 2

3 - Biddle, Ma and Song

4 - Chung, Firth, and Kim

5 - Khan and Watts

فصل اول

اصول حسابداری

صورت‌های مالی بخش اصلی فرآیند گزارش‌گری مالی را تشکیل می‌دهد. هدف صورت‌های مالی، ارائه‌ی اطلاعاتی تلخیص و طبقه‌بندی شده درباره وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری است که برای طیفی گسترده از استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی در اتخاذ تصمیمات اقتصادی مفید واقع گردد (کمپته‌ی فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱). هدف‌های گزارش‌گری مالی و مبانی حسابداری ایجاب می‌کند، اطلاعاتی که گزارش‌گری مالی فراهم می‌آورد از ویژگی‌های معینی برخوردار باشد. در مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی از این ویژگی‌ها با عنوان خصوصیات کیفی یاد شده است. یکی از این خصوصیات محافظه‌کاری^۱ است که از آن با عنوان احتیاط^۲ یاد شده است.

برای پرداختن به مبحث محافظه‌کاری لازم است در ارتباط با اصول حسابداری^۳ مطالبی ذکر شود. زیرا، همان‌گونه که ذکر شد، محافظه‌کاری جزء اصول و مفاهیم اولیه‌ی حسابداری به شمار می‌آید. اصول پذیرفته شده حسابداری عبارت از میثاق‌ها، مفاهیم، استانداردها، قوانین، اصول و روش‌هایی است که دانستن آن برای تعیین رویه‌های عمل حسابداری در هر زمان ضروری است. حسابرسانی که برای حسابرسی دفاتر و صورت‌های مالی به شرکت مراجعه می‌کنند باید صورت‌های مالی و دفاتر را از نظر مطابقت صورت‌های مالی با این اصول بررسی کنند (زارعی، ۱۳۸۱).

شرط اصلی معتبر بودن اصول حسابداری پذیرفته شدن این اصول توسط حسابداران می‌باشد، که مفهوم قابلیت پذیرش اصول خود به سه ویژگی مهم زیر تقسیم می‌شود:

۱- مربوط بودن^۴: وجود یا عدم وجود آن در نتیجه تصمیمات استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی موثر می‌باشد.

۲- عینی بودن^۵: زمانی تحقق می‌یابد که قضاوت شخصی تهیه‌کنندگان اطلاعات مالی را کاهش داده و یا آن را حذف نماید.

1- Conservatism

2- Prudence

3- Accounting Principles

4- Relevance

5-Objective

۳- عملی بودن^۱: عملی بودن یک اصل حسابداری منوط به قابلیت اجرای آن بدون تحمل هزینه‌های گزاف نامعقول و غیرقابل توجیه می‌باشد.

مفاهیم یا مفروضات بنیادی حسابداری^۲، فرض‌هایی که مبنای تهیه صورت‌های مالی و اساس وضع اصول حسابداری می‌باشند را گویند، به دلیل این که فرض می‌شود این اصول پذیرفته شده‌اند و نیازی به اثبات آن‌ها احساس نمی‌شود و عبارتند از:

۱- فرض تفکیک شخصیت^۳: یعنی هر واحد اقتصادی به عنوان یک واحد مستقل از مالک یا مالکان آن و نیز جدا از موسسات دیگر در نظر گرفته می‌شوند.

۲- فرض تداوم فعالیت^۴: یعنی واحد اقتصادی تا آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت‌های خود ادامه دهد، این آینده قابل پیش‌بینی حداقل تا زمانی است که واحد تجاری بتواند به برنامه‌ها، تعهدات و قراردادهای خود جامه عمل بپوشاند (نوروش، ۱۳۸۷).

۳- فرض واحد اندازه‌گیری^۵: یعنی عملیات، معاملات و رویدادهای مالی باید برحسب پول مورد سنجش قرار گرفته و گزارش شود.

۴- فرض دوره مالی^۶: عمر یک واحد اقتصادی به دوره‌های زمانی نسبتاً کوتاهی به نام دوره حسابداری تقسیم می‌شود. این دوره‌ها ممکن است یک‌ماهه، سه‌ماهه، شش‌ماهه یا یک‌ساله باشد. اما متداول‌ترین آن‌ها دوره مالی یک‌ساله است که اصطلاحاً سال مالی خوانده می‌شود.

اصول حسابداری قواعدی کلی است که رهنمودها و مبانی لازم در مورد نحوه‌ی اندازه‌گیری، ثبت، طبقه‌بندی و گزارش نتایج معاملات واحدهای اقتصادی را فراهم می‌آورد. اصول حسابداری برخلاف مفروضات بنیادی که جنبه زیربنایی دارند، عمدتاً به جنبه‌های کاربردی و عملی قضیه پرداخته و شامل اصول زیر می‌باشند:

۱- اصل بهای تمام‌شده^۷: طبق این اصل، دارایی‌های تحصیل شده در مبادلات باید به جای قیمت‌های جاری بازار، برحسب بهای تمام شده ثبت و بر همین اساس نیز در

1- Feasibility

2- Fundamental Accounting Concepts (Assumption)

3- Separate Entity Assumption

4- Going Concern Assumption

5- Unit-of-measure Assumption

6- Time-period Assumption

7- Cost Principle

صورت‌های مالی منعکس گردد. بهای تمام‌شده که به آن بهای تمام شده‌ی تاریخی نیز می‌گویند، مبلغی است که نشان‌دهنده ارزش ارقام تحصیل شده در معاملات حقیقی و شرایط عادی بوده و به هیچ وجه مبتنی بر برآورد و یا حدس و گمان نمی‌باشد.

۲- اصل تحقق درآمد^۱: براساس این اصل درآمد هنگامی شناسایی می‌شود که:

الف) فرآیند کسب سود کامل شده باشد.

ب) مبادله‌ای انجام گرفته باشد.

۳- اصل تطابق هزینه با درآمد^۲(اصل وضع هزینه‌های یک دوره مالی از محل درآمدهای همان دوره): به این معناست که درآمدهای ایجاد شده و هزینه‌های به وقوع پیوسته برای ایجاد این درآمدها باید هر دو در یک صورت سودوزیان واحد گزارش شوند. درآمدهای یک دوره حسابداری براساس اصل تحقق، شناسایی می‌شوند. سپس هزینه‌های انجام شده برای ایجاد آن درآمدها براساس اصل تطابق تعیین می‌گردند. بدین ترتیب، هزینه‌ها در صورت سودوزیان همان دوره حسابداری که درآمدهای مربوطه شناسایی می‌شوند، گزارش می‌گردند (نوروش، ۱۳۸۷).

۴- اصل افشا^۳: واحدهای اقتصادی موظفند کلیه واقعیت‌ها و اطلاعات با اهمیت مربوط به فعالیت‌های مالی خود را به نحو مناسب در متن صورت‌های مالی اساسی و در صورت عدم امکان، در یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی گزارش و افشا نمایند.

اصول محدود کننده‌ی حسابداری^۴ شامل موارد زیر است. این مفاهیم در واقع محدودیت‌ها و استثنائاتی بر به‌کارگیری اصول حسابداری هستند.

۱- فزونی منافع بر مخارج^۵: هدف گزارش‌گری مالی فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری است، اما مخارج تهیه این اطلاعات نباید بر منافع آن فزونی یابد.

1-Revenue Realization Principle

2- Matching Principle

3-Disclosure Principle

4- Restrictive Accounting Principles (Conventions)

5- Cost-benefit Constraint

۲- اهمیت^۱: به موجب اصل اهمیت در مورد مبالغ و اقلامی که بنابر وضعیت، محیط و عملکرد موسسه، جزئی و ناچیز محسوب می‌شوند، می‌توان از اعمال دقیق اصول حسابداری خودداری کرد.

۳- خصوصیات صنعت^۲: در صنایع مختلف با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات خاص آن صنعت می‌توان اقدام به تعدیل و یا اصلاح روش‌های حسابداری نموده و یا از روش‌های جدیدی استفاده کرد به شرط آن‌که اثبات گردد روش‌های اصلاح شده و یا جدید اطلاعات سودمندی نسبت به روش‌های پذیرفته شده حسابداری ارائه نموده و یا جهت جلوگیری از نتیجه‌گیری‌های گمراه‌کننده، ضروری می‌باشد.

۴- اصل محافظه‌کاری یا احتیاط^۳: محافظه‌کاری عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که جهت انجام برآورد در شرایط ابهام موردنیاز است به‌گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیش‌تر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کم‌تر از واقع ارائه نشود.

پس از مشخص شدن جایگاه مفهوم محافظه‌کاری در بین اصول و مبانی حسابداری، تاریخچه و تعاریف این واژه در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

1- Materiality

2- Industry Peculiarities

3-Conservatism

فصل دوم

محافظه کاری در حسابداری

تاریخچه

باسو^۱ (۱۹۹۷) معتقد است که محافظه‌کاری در حسابداری حداقل صد سال قبل با هدف جلوگیری از ارائه‌ی غیر واقعی وضعیت واحد تجاری و کاهش ریسک ورشکستگی از طرف گروه‌های مختلف به ویژه تامین کنندگان سرمایه مطرح شده است. از نظر باسو محافظه‌کاری الزام به داشتن درجه‌ی بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان است.

در حسابداری، محافظه‌کاری مفهومی است که سابقه‌ای طولانی دارد. باسو معتقد است که محافظه‌کاری طی قرن‌ها تئوری و عمل حسابداری را تحت‌تأثیر قرار داده است. ثبت‌های تاریخی اوایل قرن پانزدهم میلادی درباره‌ی معاملات مشارکتی و تضامنی نشان می‌دهند که حسابداری در اروپای قرون وسطی محافظه‌کارانه بوده است. مفهوم محافظه‌کاری زمانی ایجاد شد که ترازنامه مهم‌ترین و اغلب تنها صورت مالی بود و اجزای سود یا سایر نتایج عملیات به‌ندرت در خارج از شرکت‌ها ارائه می‌شد. اولین کاربرد صورت‌های مالی برای بانک‌داری و دیگر اعتباردهندگان بوده است. انگیزه‌ی آن‌ها از کاربرد محافظه‌کاری اطمینان از آن بوده که سرمایه‌گذارانشان به گونه‌ای مناسب حفظ خواهد شد. از این‌رو، کم‌نمایی خالص دارایی‌ها مطلوب، و حتی شرافتمندانه^۲ بود. چون باعث ایجاد حاشیه‌ی ایمنی^۳ برای وام‌ها می‌شد (هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۴، ۱۹۸۰).

محافظه‌کاری موثرترین اصل ارزشیابی در حسابداری است. تحقیقات تجربی اخیر در مورد محافظه‌کاری نشان می‌دهند که نه تنها رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه است، بلکه در کشورهای انگلیسی‌زبان طی ۳۰ سال گذشته این رویه‌ها محافظه‌کارانه‌تر شده است. این نتایج شگفت‌انگیز با مخالفت صریح بسیاری از قانون‌گذاران بازارهای سرمایه، تدوین‌کنندگان استاندارد و دانشگاهیان روبه‌رو شد، ولی بقای

1 - Basu

2-Virtuous

3- Margin of Safety

4- Financial Accounting Standards Board (FASB)

طولانی مدت محافظه کاری و دوام آوردن آشکار آن در برابر انتقاد، مقتدرانه نشان می-دهد که منتقدان منافع بااهمیت آن را نادیده انگاشته‌اند. اگر قانون‌گذاران و تدوین-کنندگان استاندارد منتقد، بدون درک منافع محافظه کاری در حذف آن تلاش کنند، استانداردهایی ایجاد خواهد شد که به‌طور جدی برای گزارشگری مالی زیان‌بار است (واتز^۱، ۲۰۰۳).

تعریف محافظه کاری و مفهوم آن

محافظه کاری یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی گزارشگری مالی است که در سال‌های اخیر به‌خاطر رسوایی‌های مالی در شرکت‌هایی مانند انرون^۲ و وردکام^۳ توجه بیشتری را به خود جلب کرده است. هر چند بسیاری از حسابداران بر وجود محافظه کاری در تنظیم صورت‌های مالی توافق دارند، تعریفی جامع و مانع از آن ارائه نشده است. با وجود این، در متون حسابداری دو خصوصیت عمده‌ی محافظه کاری مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- جانب‌داری رو به پایین^۴ ارزش دفتری سرمایه نسبت به ارزش بازار آن است.
- ۲- گرایش به تسریع در شناسایی هزینه‌ها و تعویق شناخت درآمدها (پرایس^۵، ۲۰۰۵).

واتز در سال ۲۰۰۳ محافظه کاری را چنین تعریف کرده است: "محافظه کاری به طور سنتی با ضرب المثل هیچ سودی را پیش‌بینی^۶ نکنید، اما همه‌ی زیان‌ها را پیش‌بینی کنید تعریف شده است". در ادبیات حسابداری این ضرب‌المثل به صورت گرایش حسابداری به الزام درجه‌ی بالاتری از تاییدپذیری^۷ برای شناسایی اخبار

1- Watts

2- Enron

3- World Com

4-Downward Bias

5-Price, RA,

6- Anticipate

7- Verifiability

خوب^۱، یعنی سود نسبت به شناسایی اخبار بد^۲ یعنی زیان تفسیر شده است (باسو، ۱۹۹۷).

در پاراگراف ۹۵ بیانیه مفاهیم حسابداری شماره‌ی دو نیز برای تشریح محافظه-کاری چنین آمده است: اگر دو برآورد از یک مبلغ دریافتنی یا پرداختنی آتی وجود داشته باشد و احتمال وقوع هر دو یکسان باشد، محافظه‌کاری استفاده از برآوردی را دیکته می‌کند که کمتر خوشبینانه است.

باسو (۱۹۹۷) محافظه کاری را از دیدگاه سود و زیانی چنین تعریف می‌نماید: محافظه‌کاری الزام به داشتن درجه‌ی بالایی از تأیید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان است.

در تعریف دیگری از محافظه کاری که متکی بر دیدگاه ترازنامه‌ای است، فلتهم و اولسن^۳ (۱۹۹۵) چنین بیان می‌کنند که در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارش‌گری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد.

تعریف سوم درباره‌ی محافظه کاری توسط گیولی و هین^۴ (۲۰۰۰) بر پایه‌ی دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سود و زیان است. در این دیدگاه، محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته‌ی گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین‌داری و ارزیابی بالای بدهی می‌شود.

واتز و زیمرمن^۵ در سال ۱۹۸۶ در تعریف محافظه‌کاری چنین نوشته‌اند: "محافظه-کاری یعنی این که حسابدار باید از بین ارزش‌های ممکن، برای دارایی‌ها کم‌ترین

1- Good News

2- Bad News

3 - Feltham and Ohlson

4 - Givoly and Hayn

5- Zimmerman

ارزش و برای بدهی‌ها بیشترین ارزش را گزارش کند. درآمدها باید دیرتر شناسایی شوند نه زودتر و هزینه‌ها باید زودتر شناسایی شوند نه دیرتر^۱.

از دیدگاه تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی، محافظه کاری به عنوان کوششی برای انتخاب روشی از روش‌های پذیرفته شده‌ی حسابداری است که به یکی از نتایج زیر منتج می‌شود (شباهنگ، ۱۳۸۳):

- ۱- شناخت کندتر درآمد فروش
- ۲- شناخت سریع‌تر هزینه
- ۳- ارزش‌یابی کم‌تر دارایی‌ها، و یا
- ۴- ارزش‌یابی بیش‌تر بدهی‌ها

در کشور ما، کمیته‌ی فنی سازمان حسابرسی در مفاهیم نظری گزارشگری مالی، محافظه کاری را به عنوان یکی از مولفه‌های خصوصیت کیفی قابل اتکا بودن در نظر گرفته، اما واژه‌ی محافظه کاری را به کار نبرده است، بلکه از واژه‌ی احتیاط^۱ به جای آن استفاده کرده است. در مفاهیم نظری گزارشگری مالی پیوست استانداردهای حسابداری ایران درباره‌ی احتیاط چنین آمده است: "تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی در عین حال باید با ابهاماتی که به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بر بسیاری از رویدادها و شرایط سایه افکنده است برخورد کنند. نمونه‌ی این ابهامات عبارت است از قابلیت وصول مطالبات، عمر مفید احتمالی دارایی‌های ثابت مشهود و تعداد و میزان ادعاهای احتمالی مربوط به ضمانت کالای فروش‌رفته.

چنین مواردی با رعایت احتیاط در تهیه‌ی صورت‌های مالی و همراه با افشای ماهیت و میزان آن‌ها شناسایی می‌شود. احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام^۲ مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود. اعمال احتیاط نباید منجر به ایجاد اندوخته‌های پنهانی یا ذخایر غیرضروری

1- Prudence

2-Uncertainty

گردد یا دارایی‌ها و درآمدها را عمدتاً کم‌تر از واقع و بدهی‌ها و هزینه‌ها را عمدتاً بیش‌تر از واقع نشان دهد زیرا این امر موجب نقض بی‌طرفی^۱ است و بر قابلیت اتکای اطلاعات مالی اثر می‌گذارد (کمیته فنی سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱).

تعریف بالا نشان می‌دهد که محافظه‌کاری محصول ابهام است و هرگاه حسابداران با ابهام روبرو شوند محافظه‌کاری را به کار می‌برند. هیئت استانداردهای حسابداری مالی در بیانیه‌ی مفاهیم حسابداری شماره‌ی دو درباره‌ی محافظه‌کاری و تعریف آن بحث کرده و محافظه‌کاری را این‌گونه تعریف کرده است: "واکنشی محتاطانه به ابهام در تلاش برای اطمینان از این که ابهام و ریسک‌های ذاتی^۲ شرایط تجاری به گونه‌ای مناسب مدنظر قرار گرفته‌اند".

این تعریف، ابهام و ریسک را عواملی مهم در تشریح محافظه‌کاری می‌داند. در این بیانیه آمده است که اگر ابهام وجود نداشته باشد، نیازی به محافظه‌کاری نیست، و هرچه ابهام و ریسک بیش‌تری وجود داشته باشد، نیاز بیش‌تری به محافظه‌کاری وجود دارد (هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۱۹۸۰).

اثرات محافظه‌کاری را می‌توان به دو مورد نسبت داد:

۱- استانداردهای گزارشگری مالی که گزارشگری محافظه‌کارانه را الزامی می‌سازند،

و

۲- رویه‌های حسابداری انتخاب شده توسط مدیریت برای تهیه‌ی صورت‌های مالی.

غالباً جنبه‌ی دوم به عنوان تصویر محافظه‌کاری در ادبیات مربوط ارائه شده است. برای مثال، گزارشگری مالی محافظه‌کارانه توسط یک شرکت می‌تواند دلالت بر وجود ابهام و ریسک بیش‌تر و در نتیجه محافظه‌کاری بیش‌تر داشته باشد که در استانداردهای مربوط الزامی شده است، یا دلالت بر این داشته باشد که شرکت رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه را برای گزارشگری مالی انتخاب کرده است. در عالم واقع، ممکن است هر دو این‌ها مهم باشد و اهمیت نسبی آن‌ها نیز با هم متفاوت

1-Neutrality

2- Inherent

باشد. از این رو شرکت‌هایی که هدف آن‌ها ارائه‌ی گزارش‌های مالی محافظه‌کارانه است، ممکن است در صورتی که سطح عدم اطمینان و ابهام پایین باشد، سطح بااهمیتی از محافظه‌کاری را نشان ندهند. بر عکس، در مورد شرکت‌های دارای سیاست‌های گزارش‌گری مالی متهورانه^۱، ممکن است در صورتی که سطح ابهام بالا باشد، سطح بالایی از محافظه‌کاری را نشان دهند (پرایس، ۲۰۰۵).

هیئت استانداردهای حسابداری مالی، در بیانیه‌ی مفاهیم حسابداری شماره‌ی دو تا حدودی از اهمیت محافظه‌کاری کاسته است، زیرا در سلسله مراتب ویژگی‌ها ذکر می‌شود از آن به عمل نیامده است (شباهنگ، ۱۳۸۳).

در این بیانیه، ارائه‌ی ارزش‌های کمتر از واقع برای دارایی‌ها یا سود (یا ارائه‌ی ارزش‌های بیش از واقع)، تایید نشده است. با این وجود محققان تبیین‌هایی را درباره‌ی گزارش‌گری مالی محافظه‌کارانه ارائه کرده‌اند، همه‌ی این تبیین‌ها نشان می‌دهند که محافظه‌کاری برای استفاده‌کنندگان از گزارش‌های حسابداری مفید است. این تبیین‌ها عبارتند از (واتز، ۲۰۰۳):

۱- تبیین قراردادی^۲

۲- تبیین دعوی حقوقی^۳

۳- تبیین مالیات بر درآمد^۴

۴- تبیین قانونی^۵

۱- تبیین قراردادی:

استفاده قراردادی از حسابداری تاریخچه کهن دارد قرن‌های زیادی برای استفاده شرکتی و هزاران سال برای کنترل مدیریت. این استفاده طولانی طرح این فرضیه را تقویت می‌کند که بر توسعه و ماهیت حسابداری و گزارش‌گری مالی، از جمله محافظه

1- Aggressive Financial Reporting

2- Contracting Explanation

3- Litigation Explanation

4- Incom Tax Explanation

5-Regulatory Explanation

کاری تأثیر داشته باشد. (روس و واتس 2002). بسیاری از قراردادهای بین طرف های ذینفع و شرکت، از آمار و ارقام حسابداری به منظور کاهش هزینه های نمایندگی های مرتبط با شرکت استفاده می کنند. این قراردادها شامل قراردادهای بین شرکت و دارندگان اوراق بدهی شرکت قراردادهای جبران خدمات مدیریت، قراردادهای استخدامی و قراردادهای فروش می شود. براساس این توجیه، حسابداری محافظه کارانه ابزاری است برای برخورد با مشکلاتی که سرمنشأ آن طرف های ذینفع در شرکت با اطلاعات نامتقارن، بازدهی های نامتقارن و مسئولیت محدود است. طرفین قرارداد نیازمند معیارهایی به موقع برای ارزیابی عملکرد و محاسبه ارزش خالص دارایی های شرکت میباشند. با فرض ثابت بودن سایر عوامل، معیارهای عملکرد مدیریت (برای مثال سود) در قراردادهای جبران خدمات در صورتیکه انعکاس اثرات اقدامات مدیریت بر ارزش شرکت در دوره ای باشد که اقدامات رخ می دهد (یعنی به موقع باشد) مؤثرتر خواهد بود. سود (سود آوری) در قراردادهای بدهی به منظور اعمال محدودیت در پرداخت سود سهام به سهامداران و نگه داشت سطح حداقل خالص دارایی ها در شرکت جهت فراهم کردن پشتوانه ای برای بدهی های فعلی و بنابراین کاهش هزینه های نمایندگی مورد استفاده قرار می گیرد. اگر سودآوری و خالص دارایی ها در یک دوره افزایش یابد، انعکاس این افزایش به شیوه ای به موقع توسط معیارهای حسابداری مطلوب خواهد بود. بر این اساس، هدف اعمال محدودیت، محقق شده و مدیریت مجبور نخواهد بود تا از پرداخت سود سهام بهینه (سود سهام به میزان مطلوبی که رضایت سهامداران را جلب نماید) خودداری کند و دارای سرمایه گذارانی خواهد بود که خواهان افزایش سرمایه گذاری در شرکت هستند. به طریق مشابه، اگر کاهش در سودآوری و خالص دارایی ها رخ دهد، در صورتی که معیارهای سود و خالص دارایی ها به موقع باشند، اثربخشی اعمال محدودیت بهبود خواهد یافت. از این رو، قراردادهای بدهی به شدت نیازمند معیارهای به موقع برای سودآوری و خالص دارایی ها هستند.

در قراردادهای بدهی، جبران خدمات و . . . محافظه کاری به طور درونداد و به صورت یک مکانیسم قراردادی کارا سر بر می آورد. محافظه کاری به دلیل اینکه

برای ارزیابی معیارهای عملکرد مورد استفاده در قراردادهای، بهینه است اتفاق می افتد. (بهینه بودن یعنی مفید بودن و این به معنی داشتن استانداردهای اثبات پذیری سخت گیرانه تر برای شناسایی سود در مقایسه با زیان میباشد) این عدم تقارن در استانداردها منجر به تأخیر بیشتر در شناسایی سود در مقایسه با شناسایی زیان می شود و این نیز به نوبه خود منتهی به خالص دارایی ها و سود انباشته ای می شود که با احتمال بسیار کمی، بیش از حد ارزش گذاری شده اند (روس و واتس ۲۰۰۲).

این وضعیت، احتمال توزیع دارایی ها، که باعث نقضقراردادها و کاهش ارزش شرکت می شود، را کاهش می دهد.

در قراردادهای بدهی، محافظه کاری احتمال اینکه مدیریت از پروژه های دارای خالص ارزش فعلی مثبت

صرف نظر کنند، سود و دارایی ها را بیش از حد ارزش گذاری کند و پرداخت سود سهام تصفیه را به سهامداران صورت دهد کاهش می دهد. در قراردادهای جبران خدمات، محافظه کاری این احتمال را کاهش می دهد که به جای تلاش در جهت پیگیری پروژه های با خالص ارزش فعلی مثبت، مدیریت تلاش هایی را صورت دهد تا خالص دارایی ها و سود انباشته را به منظور اینکه خالص دارایی های شرکت را بین خود توزیع کنند (از طریق دریافت پاداش) بیش از حد ارزش گذاری کنند. منافع حاصله از افزایش در ارزش شرکت که ناشی از کاهش اقدامات نادرست است بین تمامی طرف های وابسته به شرکت توزیع می شود (روس و واتس ۲۰۰۲). معیارهای عملکرد محافظه کارانه همچون سود، نقش مهمی نیز در فراهم سازی اطلاعات برای سرمایه گذاران ایفا می کند. نهایتاً جریان نقدی از مجرای صورت سود و زیان تحقق می یابند و به همین نحو ارقام سود حسابداری فراهم کننده کنترل بر سایر منابع اطلاعاتی برای سرمایه گذاران است.

۲- تبیین دعوی حقوقی:

در سالهای اخیر، دعاوی حقوقی سهامداران یکی دیگر از سرچشمه های بالقوه محافظه کاری بوده است.

دعاوی حقوقی نیز بازدهی های نامتقارن ایجاد می کند: بیش از واقع برآورد کردن خالص دارایی ها در مقایسه با کمتر از واقع برآورد کردن آن به احتمال زیاد هزینه های حقوقی بیشتری را ایجاد می کند. محافظه کاری، از طریق کمتر از واقع برآورد کردن خالص دارایی ها، هزینه های حقوقی مورد انتظار شرکت را کاهش می دهد (روس و واتس ۲۰۰۲). بیور (1993) و واتس (1993) هر دو خاطرنشان می کنند که دعاوی حقوقی و متعاقباً قوانین و مقررات اوراق بهادار، مشوق محافظه کاری هستند. منطق این نتیجه گیری این است که احتمال بروز دعاوی حقوقی در حالتی که سود و خالص دارایی ها بیشتر از واقع ارزشگذاری میشود بسیار بیشتر از حالتی است که آنها کمتر از واقع ارزش گذاری می گردند. به دلیل اینکه هزینه های دعاوی حقوقی ناشی از ارزش گذاری بیش از واقع بیشتر از هزینه های ناشی از ارزش گذاری کمتر از واقع می باشد، مدیران و حسابرسان این انگیزه را خواهند داشت تا سود و خالص دارایی ها را کمتر از واقع ارزش گذاری کنند.

برخلاف توجیه قراردادی در حمایت از محافظه کاری، توجیه دعاوی حقوقی صرفاً در سالهای اخیر در ایالت

متحده مورد استفاده قرار گرفته است. کاتری، لایس، اسمیت و واتس (۱۹۸۸) اشاره می کنند که دعاوی حقوقی منتسب از قوانین اوراق بهادار به تغییرات سال 1966 بر می گردد. این اشاره ای است بر وجود برخی تمایزات تجربی بین توجیهات قراردادی و دعاوی حقوقی.

۳- تبیین مالیات بر درآمد:

مالیاتها از گذشته های دور تا کنون بر سود گزارش شده وضع شده اند و در نتیجه بر محاسبه سود تأثیر گذاشته اند. سرچشمه های بسیار اولیه حسابداری مشتمل بر کنترل دارایی ها و جمع آوری مالیات برای پادشاهان و اشراف زادگان بوده است. پیوندهای بین وضع مالیات و گزارشگری نیز می تواند موجب محافظه کاری در گزارشگری مالی شود. شناخت نامتقارن سود و زیان، مدیران شرکت های سودآور را در کاهش ارزش فعلی پرداخت های مالیاتی توانمند می سازد (۲۰۰۳). تأخیر در شناخت درآمدها و تسریع در شناخت هزینه ها، پرداخت های مالیاتی را به تعویق می اندازد. واتس و زیمرمن (۱۹۷۹) و واتس (1997) اظهار می دارند که پذیرش گسترده

استهلاک به عنوان یک هزینه در ایالات متحده، در نتیجه الزام خزانه مبنی بر این بود که استهلاک می بایست به عنوان یک هزینه در صورتهای مالی گزارش شده ثبت شود تا حائز شرایط یک کاهنده مالیات طبق قانون مالیات غیر مستقیم شرکتها (1909) باشد. در حقیقت آن قانون یک قانون مالیات بر درآمد بود و منادی قانون مالیات بر درآمد 1913 شد. گنتر و همکاران (1977) اظهار می دارند که روشهای حسابداری مورد استفاده در گزارشگری هنوز درآمد مشمول مالیات را تحت نفوذ خود دارند. شاکلفرد و شلوین (2001) نیز معتقدند که مالیاتها انگیزه لازم جهت همسوسازی سود حسابداری گزارش شده با سود مشمول مالیات را فراهم می سازد. تا زمانی که یک شرکت سودآور باشد و دارای سود مشمول مالیات و نرخ های بهره مثبت باشد، این ارتباط فراهم کننده انگیزه لازم جهت به تعویق انداختن شناسایی سود به منظور کاهش ارزش فعلی مالیات ها است. همچون توجیه قراردادی، این مشوق نیز منجر به ارزش گذاری کمتر از واقع خالصداری ها می شود.

۴-تبیین قانونی:

تدوین کنندگان استاندارد گزارشگری مالی و قانونگذاران، برای تحمیل و ترغیب حسابداری و گزارشگری محافظهکارانه، دارای انگیزههای شخصی هستند. دقیقاً به همان صورت که در هزینه های حقوقی عدم تقارن وجود دارد، در هزینه های قانونگذاران نیز عدم تقارن وجود دارد. اگر شرکت ها خالصداری ها را به جای اینکه کمتر از واقع برآورد کنند، بیشتر از واقع برآورد کنند، تدوین کنندگان استاندارد و قانونگذاران بیشتر مورد سرزنش و نکوهش قرار می گیرند. محافظه کاری، هزینه های سیاسی تحمیل شده بر تدوین کنندگان استاندارد و قانونگذاران را کاهش می دهد. بنابراین قوانین و مقررات نیز برای محافظه کارانه نمودن صورتهای مالی گزارش شده، انگیزه هایی فراهم می کنند. واتس (1997) اظهار می دارد که در فرایند سیاسی، زیان های ناشی از ارزشیابی بیش از واقع داری ها و سود، قابل ملاحظه تر از ارزشیابی کمتر از واقع داری ها و سود می باشد. این مهم فراهم کننده انگیزه هایی برای قانونگذاران و تدوین کنندگان استاندارد می باشد تا محافظه کار باشند. این انگیزه به طور آشکاری باعث شد تا SEC طی 30 سال اول عمر خود، ارزشیابی

متمایل به بالا از دارایی‌ها را قدغن کند (زف 1972، واکر 1992). منطق زیربنایی قوانین اوراق بهادار نیز اشاره بر این دارد که حسابداری باید محافظه کارانه باشد.

شواهدی از توجیهات محافظه کاری

شواهد سری‌های زمانی

توجیه قراردادی احتمالاً می‌تواند هم منشأ حسابداری و هم منشأ محافظه کاری را توضیح دهد، بنابراین پیش‌بینی نوسانات سری‌های زمانی در محافظه کاری با استفاده از رویکرد قراردادی مشکل است.

در عین حال، محافظه کاری باید در طول زمان به موازات دعاوی حقوقی تغییر کرده باشد (واتس ۲۰۰۳).

واتس (۲۰۰۳) پیش‌بینی کرد که محافظه کاری در ایالات متحده به موازات تغییرات غیرمنتظره در تعهدات و مسئولیت‌های قانونی، در نوسان باشد. مشخصاً، همانطور که قبلاً اشاره شد، تا قبل از سال 1966، دعاوی حقوقی بی‌نهایت نادر بودند آنچنان که دعاوی حقوقی به تنهایی قادر به پیش‌بینی محافظه کاری در صورت‌های مالی منتشر شده ایالات متحده نمی‌باشد. بنابراین، در غیاب سایر عوامل به غیر از دعاوی حقوقی، تا قبل از سال 1966 محافظه کاری در ایالات متحده مشاهده نمی‌شود. و با فرض وجود سایر عوامل، محافظه کاری پس از سال 1966 افزایش می‌یابد. علاوه بر این، واتس (۱۹۹۳) اظهار می‌دارد که دوره‌هایی که کوتاری، لایس، اسمیت و واتس (۱۹۹۸) به عنوان رژیم‌های متفاوت دعاوی حقوقی پس از سال 1966 می‌شناسند را می‌توان مورد استفاده قرار داد تا تغییر پذیری محافظه کاری متأثر از تغییر در تعهدات و مسئولیت‌های قانونی را مورد آزمون قرار داد. باسو (۱۹۹۷ و ۱۹۹۵) پیش‌بینی کرد که معیارهای محافظه کاری در دوره‌های پس از افزایش مسئولیت‌های قانونی، افزایش می‌یابد و در دوره‌های پس از تصمیمات محاکم حقوقی مبنی بر محدود کردن مسئولیت‌های قانونی، ثابت باقی می‌ماند.

مالیات بر درآمد، حداقل از سال 1909، وجود محافظه کاری در ایالات متحده را پیش‌بینی می‌کند. نوسانات در میزان پیوند بین حسابداری مالیاتی و گزارشگری

مالی در طول زمان را می توان جهت پیش بینی اثر مالیات بر محافظه کاری مورد استفاده قرار داد (روس و واتس ۲۰۰۲). بر پایه نوشتارهای مرتبط با تعامل بین ملاحظات گزارشگری مالی (شاکلفرد و شلوین، ۲۰۰۱) یک فرد می تواند پیش بینی کند که هنگام تنگاتنگ شدن پیوندهای این دو با یکدیگر یا هنگام افزایش مالیات ها، حسابداری و گزارشگری مالی محافظه کارانه تر می شود.

قوانین اوراق بهادار، یک منبع بالقوه از اثر قانونگذاری بر محافظه کاری هستند. این قوانین به دهه ۱۹۳۰ بر می گردند. بنا به دلایلی واکنش اولیه SEC این بود که محافظه کار باشد (زف ۱۹۷۲). از این رو، در غیاب سایر عوامل، پیش بینی میشود که محافظه کاری در ابتدا بعد از دهه ۱۹۳۰ مشاهده شده است و با فرض وجود سایر عوامل انتظار میرود که بعد از دهه ۱۹۳۰، محافظه کاری افزایش یافته باشد (روس و واتس ۲۰۰۲). تا دهه ۱۹۷۰، SEC تمایل داشت که کمتر محافظه کار باشد (واتس ۱۹۷۲) و تا سال ۲۰۰۰، ما مشاهده می کنیم که FASB (ظاهراً با تصدیق ضمنی SEC) آغاز به اندازه گیری های غیر قابل اثباتی از دارایی ها می نماید. از این رو طی ۳۰ سال گذشته، اگر ما بتوانیم به طور قابل اتکایی میزان محافظه کاری در قانونگذاری های SEC و استاندارد گذاری FASB را اندازه گیری کنیم، می توانیم نوسانات محافظه کاری در گزارشات حسابداری را پیش بینی کنیم (روس و واتس ۲۰۰۲).

باسو (۱۹۷۷) با استفاده از ارتباط بین بازده سهام و سود، محافظه کاری در ایالات متحده را در چهار دوره:

۱۹۶۳-۶۶، ۱۹۶۷-۷۵، ۱۹۷۶-۸۳، ۱۹۸۳-۹۰ مورد بررسی قرار داد. کوتاری، لایس، اسمیت و واتس (۱۹۸۸)، این چهار دوره را به ترتیب دوره های رشد دعاوی حقوقی به میزان کم، زیاد، کم و زیاد نامیدند. باسو متوجه افزایش محافظه کاری در دو دوره ای شد که در آن رشد دعاوی حقوقی بالا بود و در دوره هایی که رشد دعاوی حقوقی پایین بود، هیچ نوع افزایشی را مشاهده نکرد، نتیجه ای که با توجیه محافظه کاری از منظر دعاوی حقوقی سازگار است. در سه دوره آخر، سطح قابل ملاحظه ای از محافظه کاری وجود دارد اما در دوره اول (۱۹۶۳-۶۶)، سطح محافظه کاری چندان

قابل ملاحظه نیست. نتایج دوره ۶۶-۱۹۶۳ با محافظه کاری توجیه شده از منظر قراردادی ناسازگار است.

هاستازن و واتس (۲۰۰۱) استدلال می کنند از آنجا که انگیزه های قراردادی برای محافظه کاری، قبل از افزایش در دعاوی حقوقی در اواخر دهه ۱۹۶۰ نیز وجود داشته است، گزارشگری مالی ایالات متحده الزاماً در دوره قبل از ۱۹۶۷ نیز بایستی به طور قابل ملاحظه ای محافظه کار باشد. آنها با استفاده از ارتباط بین بازده سهام و سود برای نمونه ای از شرکتهای بزرگ در دوره ۱۹۹۳-۱۹۲۷، مشاهده کردند که نه تنها در سه دوره آخر بررسی شده توسط باسو، بلکه در دوره قبل از دعاوی حقوقی (۴۱-۱۹۲۷ و ۶۶-۱۹۵۴) نیز محافظه کاری قابل ملاحظه ای وجود دارد. محافظه کاری در خلال دوره بین ۱۹۴۲ تا ۱۹۵۳، قابل ملاحظه نیست، و این شاید به دلیل کنترل قیمت در طول جنگ جهانی دوم و جنگ کره بوده است. به نظر می رسد تا پایان هزاره دوم، سود حسابداری ایالات متحده در انعکاس اخبار خوب ابداً به موقع نبوده اما در عوض در انعکاس اخبار بد بسیار به موقع می باشد. افزایش قابل ملاحظه در محافظه کاری تحت مدیریت استانداردها توسط FASB رخ می دهد و بنابراین می تواند حداقل تا حدودی در نتیجه تدوین استاندارد باشد.

شواهدی از داده های مقطعی

تفاوت در بین شرکتها

بیور و رایان (۲۰۰۰) پیش بینی کردند که معیار محافظه کاری خالص دارایی های آنها (سازه یا مولفه اریب (bias component) یا بطور خلاصه BC) با سه شاخص: ۱- نسبت استهلاک انباشته به اموال، ماشین آلات و تجهیزات شرکت هایی که از استهلاک تسریعی استفاده می کنند ۲- نسبت مجموع هزینه های تحقیق و توسعه و هزینه تبلیغات به فروش و ۳- نسبت ذخیره لایفو به کل فروش همزمان برای محافظه کاری تغییر پیدا می کند. از آنجا که مقدار منفی تر BC حاکی از محافظه کاری بیشتر است، پیش بینی می شود که BC ارتباط معکوسی با این نسبت ها داشته باشد.

احمد، بیلینگس، هریس و مورتون (2001) پنداشتند که محافظه کاری به منزله یک مکانیسم قراردادی کارا جهت کاستن از کشمکش های بین سهامداران و دارندگان اوراق قرضه بر سر سیاست های تقسیم سود، در حال تکامل است. آنها پیش بینی کردند که هرچه این تعارضات شدیدتر باشد، انتخاب روشهای حسابداری توسط شرکت محافظه کارانه تر خواهد بود و هرچه محافظه کاری شرکت بیشتر باشد، هزینه استقراض پایینتر خواهد بود. جهت آزمون هر دو این پیش بینی ها، احمد، بیلینگس، هریس و مورتون، از سازه اریب (BC) بیور و رایان و همینطور از نسخه ای از معیار معوقه های انباشته گیولی و هاین (2000) استفاده کردند. پیش بینی صریح اول این بود که هرچه شاخص های تعارض در تقسیم سود (نسبت سود تقسیمی به دارایی ها، انحراف معیار بازده دارایی ها و اهرم) بیشتر باشد. BC و معوقه های انباشته نیز منفی تر خواهد بود. پیش بینی صریح دوم این بود که هرچه محافظه کاری (به همان نحو که در دو معیار محافظه کاری فوق منعکس شده است) بیشتر باشد، هزینه استقراض (به همان صورت که در رتبه بندی های S&P منعکس شده است) کمتر خواهد بود.

احمد، بیلینگس، هریس و مورتون (۲۰۰۱)، با استفاده از هر دو معیار BC و معوقه های انباشته، دریافتند که هرچه تعارض بر سر پرداخت سود سهام بیشتر باشد، محافظه کاری زیادتر خواهد بود. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که هرچه محافظه کاری طبق دو معیار فوق بیشتر باشد، هزینه استقراض پایین تر خواهد بود.

تفاوت در بین کشورها

شماری از مطالعات که شروع آن با بال، کوتاری و روبین (2000) بوده است، پیش بینی کردند که معیارهای محافظه کاری باسو در بین کشورها، با توجه به ماهیت مقررات و ترتیبات نهادی در آنها، متفاوت باشد. بال، کوتاری و روبین پیش بینی کردند که استفاده کشور های دارای قوانین عرفی از ارقام صورت های مالی منتشر شده باعث می شود تا ارقام سود آن کشورها در مقایسه با کشورهای دارای قوانین مدون و رسمی، محافظه کارانه تر باشد. عدم تقارن اطلاعاتی در بین طرف های ذینفع شرکتهای متعلق به کشورهای دارای قوانین عرفی، به طور خصوصی و شخصی

در خود شرکت و بدون استفاده از قراردادهای بیرونی حل می شود. به طور مشابه، توزیع ها نیز به طور خصوصی در خود شرکت مشخص می شود. بال، کوتاری و روبین (2000) همچنین به طور اشتراکی به آزمون فرضیات دعاوی حقوقی و قانونگذاری همت گماشتند. پس از یک مباحثه ذهنی، آنها به این نتیجه رسیدند که در انگلستان، با توجه به هر دوی این توجیها، کمترین انگیزه برای محافظه کاری فراهم است و بنابراین پیش بینی کردند که محافظه کاری در آنجا در مقایسه با سایر کشورهای دارای قوانین عرفی، کمتر می باشد. کشورهای دارای قوانین عرفی در نمونه بال، کوتاری و روبین عبارتند از استرالیا، انگلستان و ایالات متحده

امریکا. کشورهای دارای مجموعه قوانین مدون نیز عبارتند از فرانسه، آلمان و ژاپن. بال، روبین و وو (2002) این فرضیه را مطرح کردند که چهار کشور آسیایی (هنگ کنگ، مالزی، سنگاپور و تایلند) که تا حدودی دارای میراث قوانین عرفی هستند (از جمله استانداردهای حسابداری)، کمتر از کشورهای دارای قوانین عرفی محافظه کار هستند. منطق پشتوانه این فرضیه این است که آن چهار کشور دارای دو مشخصه از مشخصات قوانین مدون هستند که در تقویت ارتباط بین گزارشگری مالی و قراردادی مهم می باشند. این دو مشخصه عبارتند از: نفوذ سیاسی بر گزارشگری مالی و حل معضل عدم تقارن اطلاعاتی از طریق مجاری ارتباطی خصوصی نه از طریق افشای عمومی. شبکه های خانوادگی و سایر شبکه های داخلی، بسیار مهم تر از قراردادهایی است که بر پایه صورت های مالی حسابرسی شده تدوین شده است. بال، کوتاری و روبین (2000) با استفاده از داده های سالهای 1985-1999 دریافتند که سود حسابداری کشورهای دارای قوانین عرفی، بسیار محافظه کارانه تر از سود حسابداری کشورهای دارای قوانین مدون است.

آنها دریافتند که گزارشگری در انگلستان در مقایسه با گزارشگری در استرالیا، کانادا و امریکا به طور قابل ملاحظه ای کمتر محافظه کار است. در حالیکه از گزارشگری در کشور های دارای قوانین مدون محافظه کارانه تر می باشد. با توجه به استدلال بال، کوتاری و روبین (2000) مبنی بر اینکه انگلستان، دعاوی حقوقی و قانونگذاری

کمتری در مقایسه با سایر کشورهای دارای قوانین عرفی دارد، این شواهد با هر دو یا حداقل یکی از توجیهات دعاوی حقوقی و قانونگذاری همخوانی دارد.

بال، روبین و وو (2002) با استفاده از همان کشورهایی که بال، کوتاری و روبین به عنوان نمونه انتخاب کرده بودند دریافتند که چهار کشور آسیایی، با توجه به مقوله محافظه کاری، بیشتر شبیه به کشورهای دارای قوانین مدون هستند تا کشورهای دارای قوانین عرفی. دوره مورد بررسی سالهای بین ۱۹۹۶-۱۹۸۴ بود. با توجه به ادعای بال، روبین و وو (2000)، مبنی بر اینکه تفاوت مهم بین کشورهای آسیایی و کشورهای دارای قوانین عرفی، فقدان اعتقاد و اتکای آنها به افشای عمومی و قراردادهای است، این نتایج، توجیه قراردادی در حمایت از محافظه کاری را تقویت می کند.

تمایز بین توجیهات محافظه کاری

شواهد حاصل از تخمین معیارهای محافظه کاری، با وجود محافظه کاری همخوانی دارد. شواهد مربوط به تفاوت های سری زمانی و مقطعی فراهم کننده فرصتی برای تمایز میان توجیهات مختلف محافظه کاری (قراردادی، دعاوی حقوقی، مالیات ها و قانونگذاری) است. این گونه تمایزات، در ارزیابی اینکه کجا و چه موقع، توجیهات مختلف بر شیوه عمل تأثیر می گذارند، اهمیت دارند

در مجموع، تفاوت های سری های زمانی با تمامی چهار توجیه محافظه کاری سازگار است. وجود محافظه کاری قبل از دعاوی حقوقی و قانونگذاری، با توجیهات قراردادی و مالیاتی سازگار است. استمرار محافظه کاری تا زمان حاضر نیز با توجیهات قراردادی و مالیاتی انطباق دارد. افزایش در محافظه کاری از سال ۱۹۶۷ و نوسان آن با تغییرات در محیط دعاوی حقوقی (به همان نحو که توسط باسو (۱۹۹۷) آزمون شد) با توجیه دعاوی حقوقی سازگاری دارد. نهایتاً، افزایش کلی در محافظه کاری تحت تأثیر قانون گذاری FASB در حوزه گزارشگری مالی، احتمالاً مؤید توجیه قانونگذاری است. آزمون های ظریف تری از نوسانات در محافظه کاری به واسطه قانونگذاری، شبیه به آنچه برای دوره های مختلف دعاوی حقوقی انجام شد، مورد نیاز است تا مشخص کند که آیا استاندارد گذاری مسبب محافظه کاری است یا خیر.

شواهد حاصل از مقایسه بین کشورها، خصوصاً شواهد حاصل از مطالعه بال، کوتاری و روبین (2000)، که مستقیماً کشورهای دارای قوانین عرفی را با کشورهای دارای مجموعه قوانین مدون و رسمی مقایسه می کند، پشتوانه ای برای توجیه قراردادی است. استنباطات حاصل از این نتایج برای مالیات، چندان روشن نیست. در کشورهای دارای قوانین مدون و رسمی، ارقام حسابداری با دادن انگیزه به شرکتها برای محافظه کاری، بر مالیات اثر می گذارند اما شاید قوانین مالیاتی، مدیران را با انعطاف پذیری ناکافی برای محافظه کاری مواجه کند. آنها استدلال می کنند که محافظه کاری کمتر در انگلستان، مشترکاً فرضیه های دعاوی حقوقی و قانونگذاری را تقویت می کند. در عین حال، تئوری و شواهد تجربی پشتوانه این پیش بینی ضعیف هستند و در نتیجه حمایت بال، کوتاری و روبین از این توجیهاات نیز این گونه خواهد بود.

بررسی کلی لغت ویچ (۱۹۸۳) از رهنمود لازم برای قراردادهای بدهی، پشتوانه بسیار ضعیفی را برای فرضیه قراردادی فراهم می کند. در عین حال، بررسی دقیق انحرافات از GAAP در قراردادهای بدهی و جبران خدمات، احتمالاً قوی ترین آزمون فرضیه قراردادی را به دست دهد. پیوند دادن این انحرافات به تغییرات در GAAP، به نظر می رسد که یک حوزه پژوهش بسیار نویدبخش باشد. در میان تمامی آزمون ها، به نظر می رسد که شواهد، بیشتر با توجیهاات قراردادی و دعاوی حقوقی سازگاری داشته باشد. فرضیات مالیاتی و قانونگذاری نیز با شواهد موجود سازگاری دارند اما هیچ مطالعه ای مستقیماً این فرضیات را مخاطب قرار نداده است.

انتقاد از محافظه کاری

تاکنون انتقاداتی توسط گروههایی مانند فعالان بازار سرمایه، استاندارد گذاران و محققان آکادمیک از محافظه کاری صورت گرفته است. یکی از این انتقادات مربوط به رفتار نامتناسب در خصوص شناسایی عایدات و زیانها می باشد. دلیل انتقاد این گروهها این است که اگر در دوره جاری سودهایی به دلیل بکارگیری محافظه کاری حسابداری در اثر کمتر شناسایی کردن خالص دارایی ها ایجاد شود، در دوره آتی سودهایی شناسایی خواهد شد که ارتباطی به آن دوره ندارد.

هیات استانداردهای حسابداری مالی محافظه کاری را گونه ای از جانبداری می داند که با دیگر خصوصیات مطلوب گزارشگری مالی از جمله ارائه ی منصفانه، بیطرفی و قابلیت مقایسه در تضاد است. آشکارترین جانبداری قابل مشاهده در صورتهای مالی، کم نمایی خالص داراییها نسبت به ارزش بازار آن ها است.

دفاع از محافظه کاری:

برای تاکید بر اهمیت محافظه کاری، چند دلیل اقامه شده است. دلیل اول اینکه بکارگیری قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار موجب کاستن ارزش موجودیها از لحاظ پرداخت مالیات بر اموال می شود. ضمنا حسابداران می توانند در مقابل خواسته های مدیرانی که قصد بالا بردن ارزش داراییها یا سود را برای افزایش قیمت سهام دارند مقاومت کنند. علاوه بر این محافظه کاری راهی منطقی و رویارویی با ابهام است. استفاده کنندگان، بخصوص اعتباردهندگان، نیاز دارند که بدانند وضعیت مالی واحد تجاری حداقل همان چیزی است که در صورتهای مالی ارائه شده است.

محافظه کاری مشروط و نامشروط

باسو در سال ۱۹۹۷ محافظه کاری را به صورت زیر تعریف کرده است: محافظه کاری عبارت است از تاییدپذیری متفاوت لازم برای شناسایی درآمدها و هزینهها، که منجر به کم نمایی سود و داراییها می شود. این تعریف بیانگر محافظه کاری مشروط^۱ است. در تحقیقات اخیر، محافظه کاری را به دو نوع تقسیم کرده اند. نوع نخست، محافظه کاری پیش رویدادی^۲ است که محافظه کاری مستقل از اخبار^۳ و محافظه کاری نامشروط^۴ نیز خوانده شده است. محافظه کاری پیش رویدادی از به کارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می شود که سود را به گونه ای مستقل از اخبار اقتصادی جاری، می کاهند. برای مثال، شناسایی بدون درنگ مخارج تبلیغات و تحقیق و توسعه به عنوان هزینه، حتی در صورتی که جریانهای نقدی آتی مورد انتظار آن ها مثبت باشد، از این نوع است.

1- Conditional Conservatism

2- Ex Ante Conservatism

3- News-Dependent Conservatism

4- Unconditional Conservatism

نوع دیگر محافظه کاری پس‌رویدادی^۱ است که محافظه کاری وابسته به اخبار^۲، محافظه کاری مشروط و عدم تقارن زمانی سود^۳ نیز خوانده شده است. محافظه کاری پس‌رویدادی به مفهوم شناسایی به موقع اخبار بد نسبت به اخبار خوب در سود است. برای مثال، قاعده‌ی اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار، حذف سرقفلی در پی انجام آزمون کاهش ارزش و شناسایی نامتقارن زیان‌های احتمالی در مقابل سودهای احتمالی، از این نوع هستند. به‌طور کلی، اصول حسابداری شناسایی کاهش یا اخبار بد درباره‌ی موجودی کالا، سرقفلی و زیان‌های احتمالی را ایجاد می‌کنند، اما شناسایی افزایش ناشی از اخبار خوب را منع می‌کنند (پای^۴ و همکاران، ۲۰۰۵).
محافظه کاری مشروط برای اولین بار توسط باسو در سال ۱۹۹۷ به عنوان جنبه-ای مهم از محافظه کاری مطرح شد (رایان^۵، ۲۰۰۶).

محافظه کاری مشروط یا اجباری (مبتنی بر استانداردهای لازم الاجرا) تاثیر زیادی بر مقررات حسابداری طی زمان داشته است و با اطمینان می‌توان آن را یکی از اساسی‌ترین اصول حسابداری به شمار آورد. اخیراً استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی^۶ پافشاری زیادی برای برقراری حسابداری ارزش‌های متعارف داشته‌اند. اصل ارزش متعارف (جاری) بر به موقع بودن تاکید دارد و اخبار مثبت و منفی بر اساس این اصل شناسایی می‌شود. این در حالی است که محافظه کاری مشروط در مقابل اصل ارزش متعارف قرار داشته و بر به تعویق انداختن شناسایی اخبار مثبت و تعجیل در شناسایی اخبار منفی تاکید دارد (وان کیم و پیژنر^۷، ۲۰۱۰).

انگیزه‌ی اصلی برای محافظه کاری نامشروط، سختی ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها است. انگیزه‌ی اصلی برای محافظه کاری مشروط خنثی کردن انگیزه‌های مدیران برای گزارش‌گری اطلاعات حسابداری دارای جانب‌داری رو به بالا در موقعی که

1- Ex Post Conservatism

2- News-Dependent Conservatism

3- Asymmetric Income Timeliness

4- Pae, J

5- Ryan, GR

6 - International Financial Reporting Standards (IFRS)

7 - Hwan Kim and Pevzner

رویدادهای نامناسب اتفاق افتاده، می‌باشد. انگیزه‌های مشابه‌ای نیز برای این دو نوع محافظه کاری وجود دارد، برای مثال، تابع نامتقارن زیان^۱ سرمایه‌گذاران موجب می‌شود اثر منفی که آن‌ها از سود کسب می‌کنند کم‌تر از آسیب‌هایی باشد که از زیانی بااهمیت مشابه می‌بینند. این دو، مفاهیم مشابه‌ای نیز دارند که از مهم‌تر از همه، فزونی ارزش بازار خالص دارایی‌ها به ارزش دفتری آن‌هاست (بیور و رایان، ۲۰۰۴).

بیور و رایان (۲۰۰۴) اظهار کرده‌اند که محافظه کاری پیش‌رویدادی در دوره‌های قبلی، پیش انجام محافظه کاری پس‌رویدادی دوره‌های بعدی است. یعنی، اگر شرکتی در هزینه کردن مخارجی در یک دوره محافظه کاری پیش‌رویدادی داشته باشد، در ترازنامه‌اش چیزی به حساب دارایی منظور نشده تا در آینده، در پاسخ به اخبار بد کاهش دهد. به بیان ساده، اگر محافظه کاری پیش‌رویدادی منجر به عدم شناسایی یک دارایی در دوره‌های گذشته شده باشد، اخبار بد ناشی از کاهش ارزش این دارایی نمی‌تواند در سود دوره جاری شناسایی شود.

در مقابل، فرض کنید شرکتی دارای محافظه کاری پیش‌رویدادی نیست و مخارجی را در یک دوره به عنوان دارایی ثبت نماید، پس اگر در یکی از دوره‌های آتی اخبار بد درباره منافع این دارایی ایجاد شود، انتظار بر این است که در آن دوره، بر مبنای حسابداری کاهش ارزش دارایی، محافظه کاری پس‌رویدادی مشاهده شود (پای و همکاران، ۲۰۰۵).

محافظه کاری و جانب‌داری

هیئت استانداردهای حسابداری، محافظه کاری را گونه‌ای از جانب‌داری می‌داند که با دیگر خصوصیات مطلوب گزارش‌گری مالی از جمله ارائه منصفانه^۲، بی‌طرفی^۳ و قابلیت مقایسه^۴ در تضاد است. آشکارترین جانب‌داری قابل مشاهده در صورت‌های مالی، کم‌نمایی خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش بازار آن‌هاست.

1- Asymmetric Loss Function

2- Representational Faithfulness

3- Neutrality

4-Comparability

در بسیاری از موارد، قاعده‌ی اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار به عنوان مثالی از محافظه کاری نقل شده است. مفهوم این قاعده، تلاش برای محدود کردن هزینه‌های اضافی (علاوه بر زیان کاهش ارزش، ناشی از عدم شناسایی این زیان) است. معمولاً چنین تفسیر می‌شود که این قاعده کاهش دارایی‌ها به ارزش اقل بهای تمام شده یا بازار را الزامی می‌کند و مبلغ کاهش، به همین اندازه محدود می‌شود. از این رو، به-کارگیری این قاعده تلاشی است برای محدود کردن جانب‌داری که با محافظه کاری همراه است (پرایس، ۲۰۰۵).

محافظه کاری و راهبری شرکتی

محافظه کاری (تاییدپذیری نامتقارن) می‌تواند به دلایل قرارداد استخدام و راهبری شرکتی نیز انجام شود. مدیران انگیزه دارند برای اجتناب از این که قبل از خاتمه‌ی دوره‌ی تصدی‌شان اخراج شوند، زیان‌ها را پنهان کنند. اجازه دادن به ورود زیان به شرکت و اتخاذ پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی منفی توسط مدیران، سهامداران را تشویق به اخراج مدیران می‌کند.

محافظه کاری شناسایی زیان‌ها را سرعت می‌بخشد و برای هیئت‌مدیره و سهامداران نشانه‌هایی فراهم می‌کند تا دلایل این زیان‌ها را بررسی کنند. چنین بررسی‌هایی می‌تواند منجر به عدم تغییر مدیر و حذف پروژه‌های دارای خالص ارزش منفی شود. در نتیجه، مدیران برای فراهم کردن اطلاعات درباره‌ی پروژه‌های دارای خالص ارزش فعلی مثبت نیز انگیزه‌هایی دارند.

استدلال‌های قراردادی حسابداری محافظه کارانه برای بیشتر کاربردهای حسابداری در شرکت از جمله معیارهای عملکرد مدیریت قسمت‌های شرکت مانند مراکز سود، استفاده می‌شود. در چنین مواردی، کارکنان مسئول، اطلاعات متقارن، بازده‌های نامتقارن و مسئولیت محدود دارند. این استدلال‌ها برای مراکز سود و بودجه‌های مورد استفاده برای کنترل مخارج نیز به کار می‌روند. کارکنان آن میزان از خالص دارایی‌ها را که نسبت به زیان‌های ناشی از آن‌ها مسئول نیستند، کنترل نمی‌کنند (واتز، ۲۰۰۳).

جایگاه محافظه کاری در استانداردهای حسابداری

در استانداردهای حسابداری ایران نیز کاربرد ویژگی محافظه کاری به طور کامل مشهود است. به گونه ای که بر طبق این استانداردها شرط اصلی شناسایی درآمد، محتمل بودن جریان منافع اقتصادی آتی مرتبط با معامله به درون واحد تجاری است؛ بنابراین تا زمان حصول اطمینان از نزدیک شدن درآمد به جریان های نقدی، نباید اقدام به شناسایی آن نمود. این در حالی است که اگر واحد تجاری متحمل مخارجی شود که در ارتباط با منافع اقتصادی آتی آن ابهام قابل ملاحظه ای وجود داشته باشد، آنگاه باید مخارج مزبور را در دوره وقوع هزینه نماید. به عبارت دیگر، استاندارد برای شناسایی درآمد و دارایی معیارهای سخت گیرانه تری نسبت به هزینه و بدهی تدوین نموده است. نمونه هایی از کاربرد حسابداری، «محافظه کاری در استانداردها عبارتند از: بند ۲۴ استاندارد حسابداری شماره ۹، «حسابداری پیمان های بلندمدت»، بند ۴۰ استاندارد حسابداری شماره ۱۱، «دارایی های ثابت مشهود»، بند ۴ استاندارد حسابداری شماره ۸، «حسابداری موجودی مواد و کالا»، بندهای ۲۹، ۳۱ و ۳۴ استاندارد حسابداری شماره ۱۵، «حسابداری سرمایه گذاری ها»، بندهای ۳۳، ۴۰ و ۴۴ استاندارد حسابداری شماره ۱۷، «دارایی های نامشهود»، (کرمی و رحمانی، ۱۳۸۹).

معیارهای ارزیابی محافظه کاری

محققان از سه نوع معیار، به منظور ارزیابی محافظه کاری استفاده می کنند:

- معیارهای خالص دارایی ها.
- معیارهای سود و اقلام تعهدی.
- معیارهای رابطه سود و بازده سهام.

تمام این معیارها با تکیه بر اثر عدم تقارن محافظه کاری در شناسایی سودها و زیان ها می باشند (واتز، ۲۰۰۳)^۱.

معیارهای خالص دارایی ها

اگر چه ارزش‌های بازار دارایی‌ها و بدهی‌ها که خالص دارایی‌ها را تشکیل می‌دهند در هر دوره تغییر می‌کنند، اما همه این تغییرات در حساب‌ها و گزارش‌های مالی منعکس نمی‌شود. براساس محافظه کاری، افزایش در ارزش دارایی‌هایی (سودهایی) که به اندازه کافی تاییدپذیر نباشند، ثبت نمی‌شود، در حالی که کاهش در ارزش دارایی‌ها (سودها)، با همان درجه از تایید پذیری ثبت می‌گردد. در نتیجه خالص دارایی‌ها کمتر از ارزش بازارشان ارائه می‌شوند. محققان برای برآورد این ارائه کمتر از واقع، از مدل‌های ارزیابی سهام واحدهای تجاری و یا نسبت ارزش دفتری خالص دارایی‌ها به ارزش سهامشان (نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار) استفاده می‌کنند (همان منبع، ص ۲۸۸).

معیارهای سود و ارقام تعهدی

محافظه کاری بیانگر این است که سودها پایدارتر از زیان‌ها هستند، زیرا صورت‌های مالی افزایش‌های تاییدناپذیر در ارزش دارایی‌ها (سودها) را در زمان وقوع شناسایی نمی‌کنند، بلکه طی دوره‌های آتی و به هنگام ورود جریان‌های نقدی ناشی از این افزایش‌ها شناسایی می‌کنند. برای مثال، اگر ارزش یک دارایی افزایش یابد از آنجایی که انتظار می‌رود جریان‌های نقدی آتی افزایش یابد، بنابراین سود را طی سال‌های آتی و به ازای ورود جریان‌های نقدی مربوطه شناسایی می‌کنند. این بدین معنی است که سودها گرایش به پایداری و تداوم دارند. در مقابل زیان‌هایی که درجه تاییدپذیری آن‌ها با سودهای غیرقابل تایید یکسان است، درست در زمانی که به وقوع می‌پیوندند، بدون توجه به اینکه کاهش در جریان‌های نقدی آن‌ها طی دوره‌های آتی تحمل شوند، شناسایی می‌گردند. از آنجایی که به طور متوسط، این زیان‌ها در دوره‌های آتی قابل برگشت نیستند، پایداری و تداوم این کاهش سودها احتمالاً کمتر از افزایش سودها است، از این رو این کاهش سودها ناپایدار هستند. این پایداری یا ناپایداری‌ها و تغییرات سود، معیاری را برای محافظه کاری فراهم می‌آورد و این رفتار نامتقارن محافظه کاری در قبال سودها و زیان‌ها عدم تقارنی را در

اقدام تعهدی بوجود می‌آورند(همان منبع،ص۲۸۸). گیولی و هاین^۱ (۲۰۰۰) چنین اظهار می‌کنند که محافظه کاری باعث کاهش سود گزارش شده انباشته در طول زمان می‌شود. آن‌ها بیان می‌کنند که اندازه اقدام تعهدی انباشته شده در طول زمان، یکی از معیارهای محافظه کاری است.

شرکت‌هایی که در مرحله ثبات قرار دارند و هیچ‌گونه رشدی ندارند و همچنین از نظر استفاده از روش‌های گوناگون حسابداری نیز بی‌تفاوت هستند، سودهایشان به جریان‌های نقدی نزدیک می‌شود و اقدام تعهدی ادواری آن‌ها نیز به سمت صفر میل می‌کند. «ثبات اقدام تعهدی منفی (از قبیل منظور نمودن انواع ذخایر) در میان شرکت‌ها و در طول یک دوره بلند مدت نشانه‌ای از وجود محافظه کاری است، نرخ انباشتگی اقدام تعهدی منفی شاخصی از تغییر در میزان محافظه کاری در طول زمان است» (گیولی و هاین، ۲۰۰۰).

معیارهای رابطه سود و بازده سهام

قیمت‌های بازار سهام نشان‌دهنده تغییرات ارزش دارایی در زمانی هستند که آن تغییرات رخ می‌دهند، خواه اینکه آن تغییرات شامل زیان‌ها یا سودهایی در ارزش دارایی باشند. از این رو، می‌توان گفت که بازده‌های سهام همواره به هنگام هستند. از آنجا که محافظه کاری پیش‌بینی می‌کند، مبنای شناسایی زیان‌های حسابداری بسیار به هنگام‌تر از سودها است، بدین ترتیب انتظار بر این است که زیان‌های حسابداری بیشتر از سودهای حسابداری با بازده‌های سهام، تقارن زمانی^۲ داشته باشند (واتز، ۲۰۰۳b)^۳. باسو^۴ (۱۹۹۷) با استفاده از این مبنای معیاری را تحت عنوان «عدم تقارن زمانی سود»، برای محافظه کاری معرفی می‌کند که در قسمت بعدی به تفصیل در مورد آن بحث خواهد شد.

1. Givoly and Hayn, 2000

2. Contemporaneous.

3. Watts, R. L., 2003a

4. Basu, S. (1997)

روش های اندازه گیری محافظه کاری

حال با توجه به اینکه محافظه کاری به دو نوع محافظه کاری مشروط و محافظه کاری نامشروط تقسیم شده است هر یک از انواع محافظه کاری با روش های گوناگون قابل سنجش است که در ذیل به آن پرداخته می شود.

روش های اندازه گیری محافظه کاری مشروط

۱. **روش عدم تقارن زمانی سود:** براساس معیار رابطه سود و بازده سهام قیمت بازار سهام نشان دهنده تغییرات ارزش دارایی در زمان هستند که آن تغییرات رخ می دهند خواه آن تغییرات شامل زیان ها یا سود های در ارزش دارایی باشند از این رو می توان گفت بازده سهام همواره به هنگام هستند. از آنجاییکه محافظه کاری پیش بینی می کند مبنای شناسایی زیان های حسابداری بسیار به هنگام تر از سود است بدین ترتیب انتظار براین است که زیان های حسابداری بیشتر از سود های حسابداری با بازده های سهام، تقارن زمانی داشته باشند. باسو (۱۹۹۷) با استفاده از این مبنای معیاری را تحت عنوان عدم تقارن زمانی سود برای محافظه کاری معرفی می کند بنابراین عدم تقارن زمانی سود براساس رابطه سود و بازده سهام به عنوان یکی از معیار های محافظه کاری تحت عنوان محافظه کاری مشروط شناخته شده است. باسو برای اندازه گیری اخبار از بازده های سهام استفاده کرد و با استفاده از رگرسیون بین سود و بازده سهام معیاری را برای اندازه گیری محافظه کاری مشروط معرفی کرد بنابراین هرچه عدم تقارن زمانی سود بیشتر باشد بیانگر وجود محافظه کاری بیشتر در گزارشگری مالی است.

۲. **روش کاربرد اقلام عملیاتی:** محافظه کاری یک معیار برای انتخاب اصول و رویه های حسابداری در شرایط ابهام و عدم اطمینان است هنگام رو به رو شدن با عدم اطمینان بایستی روش هایی انتخاب و اعمال شوند که در نهایت منجر به کمترین مبلغ برای سود انباشته گردند در واقع در شرایط عدم اطمینان و برسر دو راهی ها، بایستی از یک سو درآمد ها و دارایی ها دیرتر و از سوی دیگر هزینه ها و بدهی ها زودتر شناسایی گردند (گیولی و هاین، ۲۰۰۰، صص ۳۲۰-۲۸۷)^۱. انتخاب و

1. Givoly and Hayn, 2000, 287-320

اعمال این روش های محافظه کارانه از طریق حسابداری تعهدی امکان پذیر می گردد. برای مثال شناسایی زیان کاهش ارزش موجودی ها فقط بر ارقام تعهدی امکان پذیر می گردد. برای مثال شناسایی زیان کاهش ارزش موجودی ها فقط بر ارقام تعهدی اثر گذار است و جریان های نقدی را متاثر نمی سازد. از ارقام تعهدی نیز عملیاتی استفاده می شود. به این دلیل از ارقام تعهدی عملیاتی استفاده می شود که از یک سو حسابداری تعهدی مجرای برای اعمال محافظه کاری است و دیگر سو اعمال اختیار از جانب مدیران در شرایط عدم اطمینان زمینه را برای اعمال محافظه کاری فراهم می کند. استفاده از این معیار مبتنی بر این فرض است که سطح عدم اطمینان در رابطه با ارقامی که جز عملیات معمول و مستمر شرکت نیستند (ارقام تعهدی غیر عملیاتی)، بیش از سطح اطمینان در رابطه با ارقامی است که جز فعالیت های عادی شرکت محسوب می شوند (همان منبع).

جمع ارقام تعهدی، عملیاتی (سرمایه در گردش) و ارقام تعهدی غیرعملیاتی براساس مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) و ژانگ (۲۰۰۸) به شرح ذیل می شود: (ژانگ، ۲۰۰۸، صص ۵۴-۲۷)^۱

$$\begin{aligned} \text{ACC}_{it} &= \text{NI}_{it} + \text{DEP}_{it} - \text{Cfo}_{it} \\ \text{oACC} &= \Delta \text{AR}_{it} + \Delta \text{I}_a + \Delta \text{PE}_{it} - \Delta \text{AP}_{it} - \Delta \text{TP}_{it} \\ \text{NoACC}_{it} &= \text{ACC}_{it} - \text{oACC}_{it} \end{aligned} \quad (2-1)$$

که در آن متغیر ها به شرح ذیل می شوند:

ACC: جمع ارقام تعهدی

ΔI : تغییر در موجودی کالا

NI: سود خالص قبل از ارقام غیر متفرقه

ΔPE : تغییر در پیش پرداخت ها

DEP: هزینه استهلاک

Cfo: جریان نقدی عملیاتی

oACC: ارقام تعهدی عملیاتی

ΔAR : تغییر حساب های دریافتی

ΔAP : تغییر در حساب های پرداختی

ΔTP : تغییر در مالیات پرداختی

NoACC: اقلام تعهدی غیر عملیاتی

در حالی که اقلام تعهدی عملیاتی (سرمایه در گردش) از فعالیت های مستمر و معمول شرکت ناشی می شوند، اقلام تعهدی غیر عملیاتی برای مثال شامل افزایش هزینه های که ناشی از تغییر برآوردهاست، سود و زیان فروش داراییها و زیان کاهش ارزش دارایی های ثابت، درآمد های انتقالی به دوره های آتی و سرمایه ای کردن مخارج است (گیولی و هاین، ۲۰۰۰، صص ۳۲۰-۲۸۷)^۱. از آن جا که مقادیر کوچکتر (منفی تر) اقلام تعهدی غیر عملیاتی نشانگر سطوح بالاتر محافظه کاری هستند، در این تحقیق برای همسو کردن جهت مقادیر جبری اقلام تعهدی غیر عملیاتی با میزان محافظه کاری از قرینه این اقلام استفاده شده است، این معیار توسط پائیک و همکاران، گیولی و همکاران و احمد و همکاران نیز استفاده شده است، این معیار توسط پائیک و همکاران، گیولی و همکاران و احمد و همکاران نیز استفاده شده است. حال جهت محاسبه میزان محافظه کاری مشروط در این تحقیق از مدل ژانگ (۲۰۰۸) که به صورت ذیل است استفاده شده است. (ژانگ، ۲۰۰۸، صص ۵۴-۲۷)^۲

$$(۲-۲) \quad CC - ACC = \frac{\text{اقلام تعهدی غیر عملیاتی}}{\text{جمع کل داراییها}} \times (-۱)$$

۲. روش های اندازه گیری محافظه کاری نامشروط

۱. روش ارزش بازار نسبت به ارزش دفتری سهام (MTB)

تجربه گراها تمایل دارند که محافظه کاری را به صورت زیر تعریف کنند: تفاوت بین ارزش سهام^۳ و ارزش نقدی گزارش شده، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری نیز گفته می شود که آن را با MTB نشان می دهند در نتیجه هرچه نسبت

1. Givoly and Hayn ,2000,287-320

2 . Zhang ,2008, 27-54

3. Enterprise value (EV)

MTB بالاتر از یک باشد بیانگر وجود محافظه کاری بیشتر در گزارشگری مالی است.

شاید دلیل استفاده از EV در تعریف محافظه کاری تجربه گراها به واسطه این باور باشد که حسابداران می توانند برآوردهای تایید پذیر و قابل اتکایی از ارزش بازار سهام داشته باشند که بهتر از ارزش بازار مشاهده شده در بازار های نقدی است و یا شاید فقدان یک تئوری برای محافظه کاری باشد که تجربه گراها از EV برای تعریف محافظه کاری استفاده کنند.

MTB تنها در صورتی می تواند معیار درستی از محافظه کاری باشد که نقش حسابداری، گزارشگری ارزش سهام (EV) باشد. اگر هدف حسابداری، گزارش کردن NAV است. پس ارزش دفتری گزارش شده معادل NAB، بخش تایید پذیر NAV خواهد بود و محافظه کاری واقعی برابر خواهد شد با محافظه کاری کل. MTB، EV را اندازه گیری می کند. بنابراین ویژگی MTB به عنوان معیاری از محافظه کاری بستگی به نقش حسابداری دارد. بدون وجود شواهد تجربی از ماهیت نقش حسابداری، قضاوت در مورد سودمندی MTB به عنوان یک معیار محافظه کاری مشکل است این در حالیست که واتز و ریچودهری (۲۰۰۷) در تحقیق خود از این معیار استفاده کرده اند. (واتز و ریچارد هری، ۲۰۰۷: صص ۳۱-۲)^۱

۲. روش Res:

پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) جهت تخمین میزان محافظه کاری نامشروط در گزارشگری مالی از این روش استفاده کردند در این روش جهت تعیین میزان محافظه کاری از فرمول ذیل استفاده می شود:

$$(۲-۳) \quad UC - Res_{it} = \frac{INV_{it} + RD_{it} + ADV_{it}}{At_{it}}$$

UC - Res_{it}: شاخص محافظه کاری نامشروط برای شرکت i در زمان t

INV_{it}: میزان موجود کالا

RD: هزینه تحقیق و توسعه

ADV: هزینه تبلیغات

At: کل دارایی های شرکت (پنمن و ژانگ، ۲۰۰۲، صص ۳۶۴-۳۳۷) ^۱.

۳. روش به کارگیری ارقام تعهدی:

همان طور که قبلا گفته شد انتخاب و اعمال روش های محافظه کارانه از طریق حسابداری تعهدی امکانپذیر است حاصل تحقیق حاضر برای اندازه گیری شاخص محافظه کاری نامشروط از مدل احمد و دوئلن، ۲۰۰۷ استفاده شده است. شاخص محافظه کاری براساس مدل مزبور به صورت زیر محاسبه می شود.

$$(۲-۴) \quad UC - ACC = \frac{\text{کل ارقام تعهدی}}{\text{جمع دارایی ها در اول دوره}} \times (-۱)$$

ارقام تعهدی از تفاوت سود خالص قبل از ارقام غیر مترقبه و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک به دست می آید. به عقیده احمد و دوئلن، ۲۰۰۷ رشد ارقام تعهدی می تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه کاری حسابداری در طول یک دوره باشد. به بیانی دیگر اگر ارقام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه کاری کاهش می یابد و برعکس، از این رو برای تعیین جهت محافظه کاری ارقام تعهدی در منفی یک ضرب می شود. برای کنترل عامل تورم بر ارقام تعهدی و تغییرات محافظه کاری و همچنین برای همگن کردن اطلاعات در سطح کشورها با اندازه های مختلف متغیرهای پژوهش بر جمع داراییها تقسیم شده اند (احمد و دوئلن، ۲۰۰۷، صص ۴۳۷-۴۱۱) ^۲.

1. Penman & Zhang, 2002, 237-364

2. Ahmad and Duelman, 2007, 411-437

فصل سوم

سودآوری

نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه‌ی منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارش‌گری مالی ضعیف شده و کیفیت سود به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه‌ی سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است. تحلیل گران مالی، مدیران و سرمایه‌گذاران در سال‌های اخیر به گزارش سودآوری شرکت‌ها توجه زیادی داشته‌اند. مدیران علاقه‌مند به حفظ رشد سود هستند زیرا، پاداش آنان اغلب به سود شرکت وابسته است. سود حسابداری و اجزای آن از جمله اطلاعاتی محسوب می‌شود که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. سود حسابداری مبتنی بر ارقام تعهدی از نظر بسیاری از کاربران اطلاعات صورت‌های مالی، ابزاری برای سنجش عملکرد شرکت‌ها محسوب می‌شود. منظور از ارزیابی عملکرد شرکت‌ها ارزیابی کلی وضعیت مالی و نتایج عملیات برای تصمیم‌گیری‌های منطقی است.

سهام‌داران که مهم‌ترین گروه کاربران اطلاعات صورت‌های مالی هستند منافع خود را در اطلاعات سود جستجو می‌کنند. سود حسابداری نشانه‌ای است که موجب تغییر باورها و رفتار سرمایه‌گذاران می‌شود. کیفیت سود می‌تواند در گزارش‌گری مالی اطمینان سرمایه‌گذاران را در بازارهای مالی تحت تاثیر قرار دهد. از عوامل مهم مؤثر در کیفیت سود می‌توان به روش‌های متعدد حسابداری، نارسایی‌های موجود در فرآیند برآوردها و پیش‌بینی‌ها، اختیار عمل مدیران و تاثیرپذیری سود از مبانی گزارش‌گری و صلاح‌دید مدیران اشاره کرد.

عبارت کیفیت سود به توانایی مدیران در استفاده از اقلام اختیاری در اندازه‌گیری و گزارش‌گری سود اشاره دارد. اقلام اختیاری ممکن است شامل انتخاب از بین اصول یا استانداردهای حسابداری و به کارگیری برآوردها و زمان‌بندی معاملات برای شناسایی اقلام غیرعادی در سود باشد. در طول سه دهه اخیر بحث کیفیت سود مورد توجه خاص پژوهشگران قرار گرفته و تلاش بر این بوده است که با دست یافتن

به یک روش منطقی و معتبر، کیفیت سود مورد ارزیابی قرار گرفته و عوامل تاثیرگذار بر آن شناسایی شود (کردلر و اعرابی، ۱۳۸۹).

در بیانیه‌ی شماره‌ی یک هیات استانداردهای حسابداری مالی عنوان شده است که سرمایه گذاران، اعتبار دهندگان و سایر استفاده کنندگان تمایل دارند که خالص گردش ورود وجه نقد به واحد تجاری را در دوره های آتی ارزیابی کنند، اما غالباً سود را برای ارزیابی توان سودآوری، پیش بینی سودهای آتی، و یا ارزیابی یک سرمایه گذاری یا دادن وام به واحد تجاری مورد استفاده قرار می دهند (بیانیه شماره ۱، پاراگراف‌های ۴۳ و ۴۶). بنابراین، فرض بر این است که ارتباطی بین سود گزارش شده و گردش وجوه نقد، شامل توزیع وجه نقد میان سهامداران، وجود دارد.

سود حسابداری

اگر چه مفهوم تعهدی سود به عنوان یک اندازه گیری بنیادی، با انتقادهایی مواجه است اما از دیدگاه اطلاعاتی، بیانگر نتیجه فعالیت حسابداری می باشد (بی و^۱، ۱۹۷۹). با توجه به فرضیات بازار کارا، نتیجه تحقیقات تجربی بیانگر این است که سود حسابداری، بار و محتوای اطلاعاتی دارد (بال و بروان^۲، ۱۹۶۸). محاسبه سود حسابداری از لحاظ یک اندازه گیری یگانه‌ی عملکرد و یا اطلاعات که در محاسبه آن لحاظ می شود، توسط حسابداران حرفه‌ای و تحلیل گران مالی همواره مورد تاکید قرار داشته است. برای مثال، در بیانیه‌ی شماره‌ی یک هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی^۳ آمده است که کانون توجه گزارشگری مالی، اطلاعات مربوط به عملکرد واحد انتفاعی است که توسط معیارهای سود و اجزای تشکیل دهنده آن تامین می شود.

هر چند که آگاهی از روش‌های مختلف اندازه‌گیری سود خالص واحد تجاری جهت تامین اهداف گوناگون مفید است. ولی، پذیرش یک مفهوم جامع (فراگیر) از سود برای مقاصد گزارشگری برون سازمانی نیز دارای اهمیت بسیاری است. در هر صورت،

1 - Bivear

2 - Ball and Brown

3 - FASB . 1978, "Objetives of Financial Reporting by Business Enterprises ", Statement of Financial Accounting Concepts NO.

تجزیه و تحلیل دقیق مفاهیم و اهداف مختلف سود خالص نشان می‌دهد که یک مفهوم یگانه و منحصر به فرد از سود به تنهایی و به صورت یکسان نمی‌تواند جواب گوی مقاصد گوناگون باشد (هندریکسن و ون برودا، ۱۹۹۲). هدف اصلی از گزارش سود، تامین اطلاعات مفید برای کسانی است که بیشترین علاقه را به گزارشات مالی دارند. اما، تبیین هدف‌های مشخص‌تر نیز برای درک بهتر گزارش‌گری سود ضرورت دارد.

یکی از اهداف اساسی که با اهمیت ترین هدف از دیدگاه تمامی استفاده کنندگان گزارش‌های مالی محسوب می‌شود، تفکیک بین سرمایه گذاری و سود (منابع و جریان‌ها: یعنی آنچه در شرکت موجود است با آنچه به خارج جریان می‌یابد) به عنوان بخشی از فرآیند توصیفی حسابداری می‌باشد.

هدف‌های مشخص گزارش‌گری سود شامل موارد زیر است:

- ۱- استفاده از سود به عنوان معیاری برای اندازه گیری کارآیی.
- ۲- استفاده از منابع تاریخی سود برای پیش بینی آینده شرکت و سود سهامی که در آینده تقسیم خواهد کرد (سود سهام قابل توزیع در آینده).
- ۳- استفاده از سود به عنوان معیاری برای اندازه گیری دست‌آوردها و همچنین نشانه‌ای از تصمیمات آینده‌ی مدیریت (هندریکسن^۱، ۱۹۹۰).

همچنین اضافه بر هدف‌های بالا سایر اهداف گزارش سود شامل استفاده از سود به عنوان مبنایی برای تشخیص مالیات، بررسی قیمت محصولات واحدهایی که مشمول قیمت گذاری می‌باشند و سرانجام ارزیابی و قضاوت در خصوص تخصیص منابع توسط اقتصاددانان می‌باشد.

مفاهیم متفاوت سود در دو سطح ساختاری و معنایی به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) مفهوم سود در سطح ساختاری^۲: حسابداران سود حسابداری را معیاری برای تفسیر رویدادهای دنیای واقعی (سوداقتصادی) می‌دانند اما معمولاً اصول و

1- Hendriksen, and Van Breda

2-Syntactical Level

قواعد حسابداری بر مفروضاتی بنا شده‌اند که ممکن است با پدیده‌های دنیای واقعی یا با آثار رفتاری مرتبط نباشند. پس سود گزارش شده توسط شرکت‌ها محصول نهایی استفاده از روش‌های متفاوت حسابداری می‌باشد که بیانگر نتیجه فعالیت‌های شرکت می‌باشد. برخی پژوهشگران براین عقیده‌اند که استفاده‌کنندگان از گزارش سود بایست توجه داشته باشند که تنها در صورتی سود حسابداری قابل درک و استفاده است که نحوه اندازه‌گیری و قواعد عملیاتی مربوط به آن نیز روشن باشد.

ب) مفهوم سود در سطح معنایی (ارتباط با واقعیت‌های اقتصادی): طبق این سطح، سود یکی از مفاهیم اقتصادی است که حداکثر کردن آن تحت شرایط معین ساختار بازار، تقاضا برای محصول و ارقام بهای تمام شده ورودی مورد بحث قرار می‌گیرد. در اینجا سود به عنوان معیار کارایی در نظر گرفته می‌شود. یکی از مفاهیم تفسیر شده از واژه کارایی معرف توان نسبی واحد انتفاعی در به دست آوردن حداکثر محصول از مصرف مقدار معینی از منابع و یا تحصیل مقدار معینی محصول از مصرف حداقل منابع و یا ترکیب بهینه منابع در قبال تقاضا و قیمت معین برای محصولات به نحوی است که موجب تحصیل حداکثر بازده برای مالکان شود، می‌باشد (هندریکسون و ون برودا^۲، ۱۹۹۲).

اهمیت سود و کیفیت آن

نقش اصلی اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی فراهم کردن زمینه‌های لازم برای تخصیص بهینه منابع است. در پی رسوایی‌های مالی اخیر، اطمینان و اعتماد سرمایه‌گذاران به سیستم گزارش‌گری مالی ضعیف شده و کیفیت سود به عنوان یک عامل مهم در تعیین اعتبار و قابلیت اعتماد ارقام گزارش شده پدیدار گشت. در نتیجه، تعیین کیفیت اطلاعات حسابداری و نتایج حاصل از آن، مورد علاقه‌ی سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردها است. تحلیل‌گران مالی، مدیران و سرمایه‌گذاران در سال‌های اخیر به گزارش سودآوری شرکت‌ها توجه زیادی

1- Semantical Level

2 - Hendriksen and Van Breda

داشته‌اند. مدیران علاقه‌مند به حفظ رشد سود هستند زیرا، پاداش آنان اغلب به سود شرکت وابسته است.

سود حسابداری و اجزای آن از جمله اطلاعاتی محسوب می‌شود که در هنگام تصمیم‌گیری توسط افراد در نظر گرفته می‌شود. سود حسابداری مبتنی بر ارقام تعهدی از نظر بسیاری از کاربران اطلاعات صورت‌های مالی، ابزاری برای سنجش عملکرد شرکت‌ها محسوب می‌شود. منظور از ارزیابی عملکرد شرکت‌ها ارزیابی کلی وضعیت مالی و نتایج عملیات برای تصمیم‌گیری‌های منطقی است.

سهام‌داران که مهم‌ترین گروه کاربران اطلاعات صورت‌های مالی هستند منافع خود را در اطلاعات سود جستجو می‌کنند. سود حسابداری نشانه‌ای است که موجب تغییر باورها و رفتار سرمایه‌گذاران می‌شود. کیفیت سود می‌تواند در گزارش‌گری مالی اطمینان سرمایه‌گذاران را در بازارهای مالی تحت تاثیر قرار دهد.

از عوامل مهم مؤثر در کیفیت سود می‌توان به روش‌های متعدد حسابداری، نارسایی‌های موجود در فرآیند برآوردها و پیش‌بینی‌ها، اختیار عمل مدیران و تاثیرپذیری سود از مبانی گزارش‌گری و صلاح‌دید مدیران اشاره کرد. عبارت کیفیت سود به توانایی مدیران در استفاده از اقلام اختیاری در اندازه‌گیری و گزارش‌گری سود اشاره دارد. اقلام اختیاری ممکن است شامل انتخاب از بین اصول یا استانداردهای حسابداری و به کارگیری برآوردها و زمان‌بندی معاملات برای شناسایی اقلام غیرعادی در سود باشد.

در طول دهه‌های اخیر بحث کیفیت سود مورد توجه خاص پژوهشگران قرار گرفته و تلاش بر این بوده است که با دست یافتن به یک روش منطقی و معتبر، کیفیت سود مورد ارزیابی قرار گرفته و عوامل تاثیرگذار بر آن شناسایی شود (دسای و همکاران^۱، ۲۰۰۹).

کیفیت سود زمانی مطرح می‌شود که تحلیل‌گران مالی تعیین کنند، تا چه میزان سود گزارش شده، منعکس کننده‌ی سود واقعی است. برداشت عموم سرمایه‌گذاران از مفهوم سود واقعی، سود حاصل از عملیات عادی است که قابل تکرار در سال‌های

مالی آینده و ایجاد کننده جریان‌های نقدی است. مفهوم کیفیت سود به دو ویژگی سودمندی در تصمیم‌گیری و ارتباط بین کیفیت سود و سود اقتصادی اشاره می‌کند.

سود به عنوان معیار سنجش کارآیی

عملیات و فعالیت‌های کارآی واحد تجاری بر جریان سود سهام جاری و همچنین بر استفاده از سرمایه جهت تامین جریان سود سهام آتی اثر می‌گذارد. از این رو، تمامی سهامداران و به ویژه سهامداران عادی به کارآیی مدیریت علاقه مند هستند. چنانچه مدیریت فاقد کارآیی لازم باشد سهامداران فعلی در صدد ایجاد تغییراتی در مدیریت واحد تجاری خواهند بود. و یا با اجرای برنامه‌های تشویقی و وضع مزایا و پاداش درصد افزایش کارآیی مدیریت خواهند بود. سهامداران بالقوه نیز کوشش می‌کنند که کارآیی مدیریت را قبل از سرمایه‌گذاری با ارزشیابی سهام واحد تجاری ارزیابی نمایند. در هر دو حالت بالا، معیار کارآیی، مبنایی را برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند (هندریکسن و ون بردا، ۱۹۹۲).

در بیانیه شماره یک هیات استانداردهای حسابداری مالی نیز هدف از اندازه‌گیری کارآیی واحد تجاری به شرح زیر منعکس شده است:

گزارشگری مالی باید اطلاعاتی را درباره عملکرد مالی واحد تجاری طی دوره مالی ارائه کند (بیانیه شماره ۱ هیات استاندارد های حسابداری مالی، پاراگراف ۴۲). کارآیی، حداقل از نظر مفهوم در دنیای واقعی نیز قابل تفسیر است. یکی از تفسیرهای آن این است که نشان دهنده توان نسبی در بدست آوردن حداکثر محصول با مصرف مقدار معینی از منابع و یا تحصیل مقدار معینی محصول با مصرف حداقل منابع و یا ترکیبی بهینه از منابع در قبال تقاضا و قیمت معین برای محصولات به گونه ای است که منجر به تحصیل حداکثر بازده برای مالکان واحد تجاری شود.

چنانچه هدف بر مبنای این دیدگاه تعیین شود در این صورت این سؤال مطرح خواهد شد که محاسبه و اندازه‌گیری سود بر مبنای اطلاعات گذشته چگونه میتواند مبنایی برای تعیین کارآیی واحد تجاری باشد؟

در این خصوص باید توجه کرد که کارآیی مفهومی نسبی است و تنها زمانی معنا دارد که با معیاری ایده آل یا مورد انتظار مقایسه شود. ضمن اینکه کارآیی به هدف

واحد تجاری نیز بستگی دارد. این هدف می تواند حداکثر کردن سود یا تامین بازده ای معقول (منصفانه) و قابل قبول برای سرمایه گذاری باشد. اگر سرمایه بکارگرفته شده توسط واحد تجاری در سالهای مختلف ثابت بماند در آن صورت مبلغ سود برای سنجش کارایی ممکن است مناسب به نظر برسد. می توان سود سال جاری را با سودهای سال های گذشته مقایسه کرد و در این خصوص که آیا سود هر یک از سال ها به هدف تعیین شده رسیده، از آن بیشتر بوده و یا اینکه از آن کمتر بوده است قضاوت کرد. اما اگر میزان سرمایه بکار گرفته شده در طول سال های مختلف تغییر کند در آن صورت باید مبلغ سود را با مجموع مبلغ سرمایه و یا مجموع درآمد مقایسه کرد.

عوامل موثر بر گزارشگری به موقع سود

گزارشگری به موقع تابعی از عوامل مختلف است. این عوامل به معمولاً به دو گروه تقسیم می شوند. دسته اول عوامل مربوط به حسابرسی و ویژگی های حسابرسی و دسته دوم مخصوص ویژگی های شرکت و عملکرد مدیریت هستند. عوامل مربوط به حسابرسی آنهایی هستند که احتمالاً در اجرای وظایف حسابرسی و صدور گزارش حسابرسی به موقع نقش دارند (انساه^۱، ۲۰۰۰).

در مقابل عوامل مخصوص شرکت و عملکرد مدیریت آنهایی هستند که مدیریت را برای تولید گزارش سالیانه به موقع تر یا کاهش هزینه های مرتبط با تأخیر گزارشگری قادر می سازد.

در این قسمت نحوه ی تاثیرگذاری برخی از ویژگی های مربوط به شرکت و مدیریت بر ارائه ی به موقع گزارشگری مالی توضیح داده می شود. این عوامل شامل سودآوری، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده سهام، ریسک مالی، اندازه و عمر شرکت می باشد. انتظار می رود سودآوری رفتار گزارشگری به موقع شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. بگنولی، کراس و واتس^۲ (۲۰۰۲) اعتقاد دارند که شرکت های با نتایج موفق (اخبار خوب) صورت های مالی را از شرکت های با عملیات ناموفق یا آنهایی که زیان انباشته

1 - Ansah

2 - Bagnoli, Kros and Watts

دارند (اخبار بد) سریع تر گزارش خواهند کرد. دلیل آن این است که سودآوری، کارآیی عملیات شرکت را اندازه گیری می‌کند. عملکرد یک شرکت یک اثر بر جسته هم بر روی بازار اوراق بهادار شرکت و هم بر روی مهارت‌های مدیریتی شرکت دارند. بازار برای مهارت‌های مدیریتی شرکت از عملکرد شرکت برای تنظیم و تعیین حق الزحمه اعضای غیر موظف مدیریت استفاده می‌کند. برای مثال، یک شرکت با اخبار خوب (عملکرد مثبت) یک افزایش در ارزش سهام شرکت و مدیریت را تجربه خواهد کرد. مخالف آن برای شرکتی با اخبار بد صادق است (عملکرد منفی) و انتظار می‌رود مدیر یک شرکت موفق اخبار خویش را برای عموم به موقع ارائه کند.

هدف مدیریت، حداکثر ساختن ثروت سهامداران عادی شرکت است. نسبت بازده حقوق صاحبان سهام، بهترین معیار سنجش موفقیت یا عدم موفقیت مدیریت شرکت در دستیابی به این هدف است. این نسبت تأکید می‌کند که بازده حاصل از درآمد، وابسته به مبلغ سرمایه گذاری شده توسط سهامداران است.

به موقع بودن انتشار گزارش سالیانه یک تابعی از اندازه شرکت گزارشگر است. معمولاً شرکت‌های بزرگ به چند دلیل گزارشگری به موقعی دارند. اول اینکه، آن‌ها منابع بیشتر، کارمندان حسابداری بیشتر و با میزان تحصیلات بالاتر و سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری پیشرفته‌تری دارند که در نتیجه می‌توانند به موقع تر گزارشگری کنند. بیشتر شرکت‌های بزرگ قادر به نصب تجهیزات و سایت‌های کامپیوتری، خرید برنامه های کامپیوتری یا استفاده از برنامه نویسان جهت نوشتن برنامه های لازم و به‌طور خلاصه دسترسی آسان به امکانات سخت افزاری و نرم افزاری که در پردازش و کنترل موجودی‌ها و عملیات سریع، صحیح و دقیق تر هستند. استفاده از این وسایل به تهیه سریع و فوری حساب‌ها و گزارشگری سالیانه به موقع منتج خواهد شد.

نظریه کیفیت سود

سود یکی از اساسی‌ترین عناصر صورت‌های مالی است که همواره مورد توجه قرار گرفته است و از آن به عنوان معیاری برای ارزیابی تداوم فعالیت، کارآیی و بازنگری ساختار قراردادهای نمایندگان واحد اقتصادی یاد می‌شود. شواهد نشان داده است که سود حسابداری شاخص خوبی برای بازده‌های سهام و پیش بینی جریان‌های نقدی

آینده است، اما به دلیل استفاده از محدودیت‌های محافظه کاری و اهمیت در تعیین سود حسابداری، برخی از تحلیل‌گران به این نتیجه رسیدند که سود اقتصادی نسبت به سود حسابداری، شاخص بهتری برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده است.

سود اقتصادی نیز اولین بار توسط آدام اسمیت تعریف شد و سپس این تعریف توسط هیکس (۱۹۳۹) بسط داده شد. او سود را مبلغی تعریف کرد که شخص می‌تواند طی یک دوره مصرف کند و در آخر دوره دارای همان رفاهی باشد که در اول دوره داشته است.

نظریه کیفیت سود برای اولین بار توسط تحلیل‌گران مالی و کارگزاران بورس مطرح شد، زیرا آنان احساس می‌کردند سود گزارش شده قدرت سود را آن چنان که در ذهن مجسم می‌شود نشان نمی‌دهد. آنان دریافتند که پیش‌بینی سودهای آینده بر مبنای نتایج گزارش شده، کار مشکلی است. افزون بر این، تحلیل‌گران فهمیدند که تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی شرکت‌ها به دلیل نقاط ضعف متعدد در اندازه‌گیری اطلاعات حسابداری کار مشکلی می‌باشد. سوال اساسی این است که چرا تحلیل‌گران مالی در ارزیابی خود از سود خالص گزارش شده و یا سود هر سهم شرکت (بدون تعدیل) استفاده نمی‌کنند و جانب احتیاط را رعایت می‌نمایند. پاسخ این است که در تعیین ارزش شرکت نه تنها به کمیت سود، بلکه باید به کیفیت آن نیز توجه شود. منظور از کیفیت سود، زمینه بالقوه‌ی رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است. به بیان دیگر، ارزش یک سهم تنها به سود هر سهم سال جاری شرکت بستگی ندارد بلکه به انتظار از آینده شرکت و قدرت سود آوری سال‌های آینده و ضریب اطمینان نسبت به آن بستگی دارد.

ارقام سود از طریق انتخاب‌های مدیران و حسابداران بین اصول پذیرفته شده حسابداری و قضاوت‌های شخصی مدیران در مورد رویه‌های به کارگرفته شده برای ثبت اطلاعات حسابداری تحت تاثیر قرار می‌گیرد. گاهی اوقات مدیریت بنگاه اقتصادی از انتخاب‌های حسابداری برای دستکاری سودها و گمراه کردن کاربران بهره می‌گیرد. افزون بر این، مدیران ممکن است عناصر سودها را برای بهتر از واقع نشان دادن وضعیت بنگاه اقتصادی دستکاری کنند و با این کار کیفیت سود گزارش

شده را به حداقل می‌رسانند، زیرا کسانی که برای تصمیم‌گیری‌های خود به سودهای مزبور اتکا می‌کنند، دچار اشتباه شده و تحلیل‌گران مالی نیز نمی‌توانند پیش‌بینی صحیحی از توان سودآوری بنگاه اقتصادی در آینده انجام دهند.

سیگال^۱ (۱۹۷۹) معتقد است ارقام سود باید صداقت، قابلیت اطمینان و قابلیت پیش‌بینی داشته باشند. صداقت یعنی باید به دور از هر گونه پیش‌داوری و دستکاری برنامه‌ریزی شده برای مطلوب نشان دادن وضعیت بنگاه اقتصادی باشند و قابلیت اطمینان نیز یعنی اینکه ارقام سودهای گزارش شده باید ارزیابی درستی از قدرت سودآوری شرکت ارایه دهند و نیز بتوان از طریق آنها روند سود آوری آینده را پیش‌بینی نمود.

کیفیت سود را می‌توان به سه دسته‌ی پایداری سود، سطوح ارقام تعهدی و سود منعکس‌کننده‌ی معاملات اقتصادی مربوط، تقسیم کرد. پایداری سود به معنی تکرارپذیری (استمرار) سود جاری است. هر چه پایداری سود بیش‌تر باشد، یعنی شرکت توان بیش‌تری برای حفظ سودهای جاری دارد و فرض می‌شود کیفیت سود شرکت نیز بالاتر است. سطوح ارقام تعهدی نیز با کیفیت سود رابطه‌ی معکوس دارد، زیرا هر چه میزان ارقام تعهدی سود بیش‌تر باشد، کیفیت سود شرکت کاهش می‌یابد. همچنین، هر چه سود حسابداری که گزارش می‌شود منعکس‌کننده‌ی معاملات واقعی اقتصادی موجود باشد به همان اندازه کیفیت سود نیز افزایش می‌یابد (هریبر و کولینز^۲، ۲۰۰۷).

پایداری سود

پایداری سود به معنای تکرارپذیری (استمرار) سود جاری است. هرچه پایداری سود بیش‌تر باشد، شرکت توان بیش‌تری برای حفظ سودهای جاری دارد و فرض می‌شود، کیفیت سود بالاتر است (بارس و همکاران^۳، ۲۰۰۱).

1 - Siegal

2 - Hribar, and Collins

3 - Barth et al

پایداری سود از جمله ویژگی‌های کیفی سود حسابداری است، که مبتنی بر اطلاعات حسابداری می‌باشد. پایداری سود شاخصی است، که به سرمایه‌گذاران در ارزیابی سودهای آتی و جریان‌های نقدی شرکت کمک می‌کند. سرمایه‌گذاران در برآورد سودهای آتی و جریان‌های نقدی مورد انتظار خود به بخش پایدار سود بیش‌تر از بخش ناپایدار آن اهمیت می‌دهند.

پایداری سود از جمله ویژگی‌های کیفی سود است، که در ارزیابی جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. هدف اصلی واحدهای تجاری کسب سود و جریان‌های نقدی است. به این منظور اقدام به تحصیل منابع مورد نیاز می‌کنند. کارایی مدیریت در استفاده از منابعی است، که در اختیارش گذاشته شده است و پایداری سود می‌تواند، این کارایی را نشان دهد. هر قدر سودهای کسب شده از طریق دارایی‌های عملیاتی باشد، پایداری سود بیش‌تر خواهد بود.

پایداری سود محدود به سودهای گذشته و دوره‌ی جاری نمی‌شود، بلکه سودهای آتی را نیز شامل می‌شود. ارتباط مابین سودهای گذشته و سودهای آتی در قالب فرآیند تصادفی که برای توصیف رفتار سود در طول زمان مشاهده شده است، بیان می‌شود. از این جنبه، وقایعی که در دوره‌ای خاص اتفاق می‌افتد، ممکن است بی-قاعده (نامنظم) باشند و انتظار می‌رود تاثیر مشابهی بر سود دوره‌های بعدی نداشته باشند. به طور کلی، سودهای حسابداری از دو جزء پایدار و ناپایدار تشکیل می‌شوند. سودهای حسابداری پایدار، ارزش موردانتظار سودهای حسابداری آتی هستند (ثقفی و سدیدی، ۱۳۸۶).

ثبات و تکرارپذیری (پایداری سود) از عوامل موثر بر کیفیت سود هستند، چراکه شرکت‌های دارای سود منظم و ثابت در مقایسه با شرکت‌های با سود نامنظم و پرنوسان از کیفیت بالایی برخوردارند. هرچه سود منظم و تکرارپذیر باشد پیش‌بینی سودهای آتی آن راحت‌تر و قابلیت اتکای بالاتری خواهد داشت، چراکه در پیش‌بینی سودهای آتی شرکت، فاکتورهایی همچون عوامل غیرعادی و نامنظم سود سال جاری در نظر گرفته نمی‌شود.

یعنی این که ارقام درآمدهای غیرعادی و غیر مستمر (غیرمترقبه) از پیش‌بینی سود کنار گذاشته می‌شوند، زیرا هدف، پیش‌بینی و تضمین میانگین سودهای تکرارپذیر در سال‌های آتی و ایجاد قابلیت مقایسه مناسب است و عناصری که در این راستا نیستند از این فرآیند حذف می‌شوند. بنابراین، سودهای ناشی از فعالیت‌های احتمالی، ناگهانی و غیرمنتظره نسبت به سودهای ناشی از فعالیت عادی و مستمر از ثبات و پایداری کم‌تری برخوردارند.

پایداری سود از جمله ویژگی‌های کیفی سودحسابداری به‌شمار می‌آید که بر اطلاعات حسابداری مبتنی است و سرمایه‌گذاران در ارزیابی سودهای آتی و جریان‌های نقدی شرکت کمک می‌کند. سرمایه‌گذاران در برآورد سودهای آتی و جریان‌های نقدی موردانتظار خود به بخش پایدار سود بیش‌تر از بخش ناپایدار آن اهمیت می‌دهند (فرانسیس^۱، ۲۰۰۴).

در محاسبه‌ی پایداری سود تاکید اصلی بر اصطلاحات جاری و عملیاتی است. بنابراین، در این مفهوم، سود تنها در ارزش یا رویدادهایی لحاظ می‌شود که در کنترل مدیریت و منتج از تصمیمات دوره جاری است، اما لازم است به گونه‌ای تعدیل شود تا استفاده از عواملی را که در دوره قبل تحصیل شده اما در دوره جاری مورد استفاده قرار گرفته‌اند، را نیز در بر گیرد.

جنبه‌ی دیگر پایداری سود این است که تغییرات مربوط، تنها از فعالیت اصلی شرکت ناشی می‌شود، و بدین ترتیب مقایسه‌ی آن با عملیات سایر شرکت‌ها امکان‌پذیر بوده، و کارایی مدیریت بهتر آشکار می‌شود. اگر چه ارقام ناپایدار مربوط به فعالیت‌های غیرعملیاتی نیز تحت تاثیر مدیریت قرار دارد، تعیین استانداردهایی که بتوان نتایج را با آن‌ها مقایسه کرد، دشوار است (اسلوان^۲، ۱۹۹۶).

1 -Francis,

2- Sloan

اما، مفهومی که ممکن است کیفیت سود را خدشه دار کند و آن را غیر واقعی جلوه دهد، مدیریت سود^۱ یا دستکاری سود است. با توجه به اهمیت اسن موضوع در ادامه مطالبی در این خصوص ارائه می‌شود.

محتوای اطلاعاتی سود

با توجه به فرضیه بازار کارا و اهداف گزارشگری مالی، چنانچه اطلاعات منتشر شده در قالب صورت های مالی به سرعت بر قیمت اوراق بهادار تأثیر بگذارد می‌توان پی برد که ارقام حسابداری مندرج در این گزارش‌ها دارای بار اطلاعاتی یا به اصطلاح محتوای اطلاعاتی است که به سرمایه گذاران در برآورد مبلغ، زمان و عدم اطمینان بازدهی آتی کمک می‌کند. چنین اطلاعاتی در حسابداری به عنوان اطلاعات سودمند نامگذاری می‌شوند. حال این سؤال مطرح می‌شود که اطلاعات سودمند دارای چه مشخصه ها و یا ویژگی هایی است؟

هیئت تدوین استاندارد های حسابداری مالی در بیانیه شماره دو از مفاهیم حسابداری به بررسی ویژگی هایی می‌پردازد که اطلاعات حسابداری را سودمند می‌سازد. نیاز به اطلاعات برای گرفتن تصمیمات سرمایه گذاری، اعطای اعتبار و سایر تصمیمات مشابه، تأکید اهداف گزارشگری مالی است. سودمندی اطلاعات بایستی با توجه به نایل آمدن به مقاصد ارزیابی شوند و اهداف گزارشگری مالی بر روی استفاده از اطلاعات حسابداری در تصمیم گیری متمرکز شده اند.

مربوط بودن و قابل اتکا بودن، دو کیفیت اصلی محسوب می‌شوند که اطلاعات حسابداری را در تصمیم گیری سودمند می‌سازند. محدودیت اعمال شده بوسیله هزینه و اهمیت، مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات را افزایش می‌دهند و اطلاعات را به کالایی مرغوب در تصمیم گیری مبدل می‌سازد. اگر چه به طور ایده آل گزینش یک روش حسابداری باید اطلاعاتی فراهم کند که مربوط و قابل اتکاتر است، اما ممکن است لازم باشد یک کیفیت فدای دیگری شود. به بیان دیگر، گاهی بین دو ویژگی کیفی مربوط بودن و قابل اتکا بودن اطلاعات تضاد ایجاد می‌شود. یعنی، با افزایش یکی از آن‌ها، دیگری کاهش می‌یابد. به عنوان مثال، استفاده از بهای

تمام شده به دلیل قابل اتکا بودن این ارزش است. در حالی که با گذر زمان مربوط بودن بهای تمام شده کاهش می‌یابد. تهیه کنندگان صورت‌های مالی باید بین این دو ویژگی موازنه‌ای معقول ایجاد کنند. برای مربوط بودن، اطلاعات بایستی به موقع باشد و بایستی ارزش پیش بینی یا ارزش بازخورد یا هر دو را داشته باشد. برای قابل اتکا بودن، اطلاعات بایستی صداقت در ارائه داشته باشد و بایستی قابل رسیدگی و بی طرفانه باشد. قابلیت مقایسه که ثبات رویه را در بر می‌گیرد کیفیت ثانویه‌ای است که با مربوط بودن و قابل اتکا بودن در تعامل است تا به سودمندی اطلاعات کمک کند.

برای این که اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌گیری کاربران صورت‌های مالی مفید واقع شود، باید دارای یک سری ویژگی‌های کیفی معرفی شده توسط هیات تدوین استانداردهای حسابداری مالی باشد. ویژگی‌های کیفی اصلی اطلاعات حسابداری، مربوط بودن^۱ و قابلیت اتکا^۲ است. اطلاعاتی مربوط است (دارای محتوای اطلاعاتی است) که تصمیم‌ها و نگرش کاربران را تایید و یا تغییر دهد. از نظر تئوری، برای اینکه اطلاعات مربوط باشد، باید سه ویژگی دیگر مانند به موقع بودن^۳، ارزش بازخورد^۴ و ارزش پیش‌بینی^۵ داشته باشند.

به موقع بودن، عنصر اصلی ویژگی مربوط بودن است و به این معناست که اطلاعات باید در زمان تصمیم‌گیری در اختیار کاربران قرار گیرد. اطلاعاتی که به موقع نباشد تاثیری در تصمیم‌های کاربران ندارد. بنابراین، مربوط نیست. همچنین، اطلاعات حسابداری باید بتوانند شرایط را برای پیش‌بینی رویدادهای آینده به ویژه جریان‌های نقدی فراهم کنند (ارزش پیش‌بینی) و از طریق تایید یا اصلاح انتظارات قبلی تصمیم‌گیرنده، بر یک تصمیم اثر بگذارد (ارزش بازخورد).

تحقیق‌هایی که در ارتباط با مربوط بودن اطلاعات حسابداری (از جمله سود هر سهم) انجام شده است، همبستگی بین قیمت اوراق بهادار به عنوان متغیر وابسته و

1 - Relevance

2 - Reliability

3 - Timeliness

4 - Feedback Value

5 - Prediction Value

مجموعه‌ای از متغیرهای حسابداری را آزمون کردند. زیرا، مهم‌ترین تاثیری که اطلاعات و متغیرهای حسابداری می‌توانند بر رفتار کاربران صورت‌های مالی بگذارند، تاثیر بر قیمت اوراق بهادار است. کاربران نیز همیشه به دنبال اطلاعات مرتبط با جریان‌های نقدی آینده و قیمت سهام هستند.

فصل چهارم

محافظه کاری از دید پژوهشگران

واتز و زیمرمن^۱ (۱۹۷۸) معتقدند شرکت‌هایی که با هزینه‌های سیاسی بالا مواجه هستند، تمایل زیادی به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه‌ی حسابداری دارند. در تأیید عقیده‌ی آن‌ها احمد و اسکات^۲ (۲۰۰۲) نشان دادند که شرکت‌های بزرگ، از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه‌ی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها استفاده می‌کنند. هم‌چنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که اگر تضاد منافع میان وام‌دهندگان و سهامداران در تقسیم سود وجود داشته باشد، در آن‌صورت مدیران شرکت‌های وام‌گیرنده، احتمالاً اشتیاق بیشتری به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه‌ی حسابداری دارند.

گیولی و هین^۳ (۲۰۰۰) در پژوهشی نشان دادند، سودآوری در طی چهار دهه‌ی گذشته در آمریکا کاهش یافته است. اما این کاهش، موجب کاهش جریان‌ات نقدی نشده است. نتایج پژوهش آن‌ها به این موضوع اشاره دارد که شناخت زیان نسبت به سود زودتر انجام می‌شود و میزان محافظه‌کاری غیر شرطی و گزارش زیان به ۳۵ درصد در گزارشگری مالی آمریکا افزایش یافته است.

بال و شیواکومر^۴ (۲۰۰۵) و بیور و رین^۵ (۲۰۰۵) محققانی هستند که در تحقیق‌های خود رابطه‌ی بین محافظه‌کاری در حسابداری و خطر ورشکستگی را مورد آزمون قرار داده و نتیجه گرفتند که بین محافظه‌کاری مشروط و غیر مشروط با خطر ورشکستگی رابطه‌ی منفی معناداری برقرار است.

در استرالیا نیز بال کریشنا و همکاران^۶ (۲۰۰۷) نشان دادند که ۴۰ درصد شرکت‌های نمونه‌ی پژوهش طی دوره‌ی ۱۰ ساله ۲۰۰۳-۱۹۹۳ زیان گزارش نموده‌اند و میزان محافظه‌کاری شرطی در آنها افزایش یافته است.

نتیجه‌ی تحقیق کلین و مارکوآرت^۷ (۲۰۰۶) در آمریکا درباره‌ی محافظه‌کاری، نشان دهنده‌ی وجود رابطه‌ای مستقیم میان محافظه‌کاری حسابداری و زیان

1 - Watts and Zimmerman

2 - Ahmed and Scott

3 - Givoly and Hayn

4 - Ball and Shivakumar

5 - Beaver and Ryan

6 - Balkrishna et al

7 - Klein April and Marquardt

حسابداری بودند. به بیان دیگر نتایج تحقیق نشان داد با اعمال محافظه کاری بیشتر، زیان‌های گزارش شده‌ی شرکت‌های مورد آزمون نیز بیشتر می‌شود. گارسیا و همکاران^۱ (۲۰۰۶) رابطه‌ای معکوس بین محافظه کاری و هزینه‌ی سرمایه دست یافتند. آن‌ها دریافتند که محافظه کاری، ریسک شرکت و در نتیجه هزینه‌ی سرمایه را کاهش می‌دهد. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که مدل‌های قبلی اندازه‌گیری محافظه کاری حسابداری، که رابطه‌ی میان محافظه کاری و هزینه‌ی سرمایه را بررسی می‌نمودند، هرچند از لحاظ نظری صحیح هستند، اما خطاهایی نیز دارند.

نتایج پژوهش قوآنگ^۲ (۲۰۰۷) نشان داد که محافظه کاری شرطی و غیرشرطی نقش‌های متفاوتی در هر یک از تفاسیر محافظه کاری بازی می‌کنند. تفسیر قراردادی منجر به محافظه کاری شرطی و تفسیر دعاوی حقوقی منجر به هر دو شکل محافظه کاری شرطی و غیر شرطی می‌شود. او همچنین دریافت که با افزایش محافظه کاری غیرشرطی، محافظه کاری شرطی کاهش می‌یابد. بنابراین، لازم است تا نوعی تعادل میان آن‌ها ایجاد شود.

لافون و واتس^۳ (۲۰۰۸) به بررسی رابطه‌ی بین محافظه کاری مشروط حسابداری و میزان نقدینگی شرکت پرداختند و نتیجه گرفتند که با افزایش محافظه کاری در شرکت‌های مورد مطالعه، نقدینگی در آن کاهش می‌یابد.

احمد و دلمن^۴ (۲۰۰۸) در پژوهش دیگری نتیجه می‌گیرد، محافظه کاری حسابداری مانع سرمایه گذاری مدیران در پروژه‌هایی با بازده منفی می‌شود. هم چنین او در می‌یابد که رابطه‌ی مستقیمی بین درصد سهام متعلق به اعضای هیئت مدیره و محافظه کاری وجود دارد.

1 - Garcia et al

2- Qiang

3 - LaFond and Watts

4- Ahmed and Duellman

بلاچندران و موهنرام^۱ (۲۰۰۸) از تحقیق خود شواهدی ارائه کردند که نشان داد ارتباط مثبت معناداری بین محافظه کاری غیر مشروط حسابداری و محتوای اطلاعاتی سود خالص وجود دارد.

ژانگ^۲ (۲۰۰۸) از تحقیق خود نتیجه گرفته است که اعمال محافظه کاری در حسابداری، می تواند منجر به کاهش نرخ بهره ی وام های بلند مدت شود.

هوی، کلاسا و یونگ (۲۰۰۹)، در پژوهشی با عنوان "تاثیر محافظه کاری بر پیش بینی سود توسط مدیریت" به بررسی میزان ارتباط بین محافظه کاری و پیش بینی های سود توسط مدیران پرداختند. آنها در این پژوهش به دنبال یافتن رابطه ی بین محافظه کاری در حسابداری با تعداد دفعات، دقت و بموقع بودن پیش بینی های سود توسط مدیران بودند. این پژوهش با بررسی ۲۲۴۴ شرکت در طی سال های ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۲ انجام گرفت. آنها در پژوهش خود از سه معیار محافظه کاری که می توانست ارتباط بین محافظه کاری و تعداد دفعات، دقت و ویژگی پیش بینی سود نشان دهد، استفاده کردند. این معیارها عبارتند از: معیار نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM)، معیار اقلام تعهدی و معیار میزان محافظه کاری هستند. یافته های پژوهش آنها نشان می دهد که ارتباط منفی معنی داری بین محافظه کاری و تعداد دفعات، دقت و ویژگی پیش بینی سود مدیران وجود دارد. همچنین این پژوهش نشان می دهد که با کاهش بازده بازار، تاثیر محافظه کاری بر تعداد دفعات پیش بینی افزایش می یابد و همچنین پیش بینی اخبار بد نسبت به اخبار خوب بر قوی تر شدن این ارتباط تاثیر بسزایی دارد.

لی^۳ (۲۰۱۰) نیز در تحقیق خود رابطه ی بین محافظه کاری حسابداری و تصمیمات مالی را بررسی نمود. او یکی از معیارهای تصمیمات مالی اساسی در شرکت ها را مدیریت نقدینگی می دانست. نتایج تحقیق او نشان داد که بین محافظه کاری حسابداری و شاخص مدیریت نقدینگی رابطه ی مثبت با اهمیتی وجود دارد. همچنین، نتایج تحقیق نشان داد که رابطه ی محافظه کاری و نقدینگی در شرکت های

1 - Balachandran and Mohanram

2 - Zhang

3 - Lee

با انعطاف‌پذیری مالی بالا قوی‌تر از همین رابطه در شرکت‌های با انعطاف‌پذیری مالی پایین است.

وان‌کیم و پیزنر، (۲۰۱۰) در تحقیق خود به بررسی رابطه‌ی بین محافظه‌کاری مشروط حسابداری و اخبار منفی آتی پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از این بوده است که محافظه‌کاری مشروط حسابداری منجر به کاهش اخبار منفی آتی (کاهش سودآوری و بازده سهام) می‌شود. همچنین، آنان نتیجه گرفتند که بازده سهام در شرکت‌هایی که محافظه‌کاری بیشتری اعمال می‌کنند منجر به ایجاد اخبار مثبت در بازار می‌شود.

بیدل، ما و سونگ^۱ (۲۰۱۱) در تحقیق خود به بررسی رابطه‌ی بین محافظه‌کاری حسابداری و خطر ورشکستگی در کشور هنگ‌کنگ پرداختند. نتیجه‌ی تحقیق آنان بیانگر رابطه‌ی منفی بین محافظه‌کاری و خطر ورشکستگی بوده است.

بنی مهد (۱۳۸۵) بر اساس اطلاعات یک دوره‌ی یازده ساله‌ی ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۴ از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، عوامل مؤثر بر محافظه‌کاری حسابداری را تعیین و مدلی را برای اندازه‌گیری آن پیشنهاد داد. نتایج پژوهش او نشان داد که محافظه‌کاری حسابداری و شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها) در ایران طی دوره‌ی پژوهش به طور همزمان کاهش یافته است.

کردستانی و امیر بیگی (۱۳۸۷) رابطه‌ی بین عدم تقارن زمانی سود، محافظه‌کاری و نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام را مورد بررسی قرار دادند. آنها در این پژوهش دریافته‌اند که بین عدم تقارن زمانی سود و محافظه‌کاری با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام، رابطه‌ای منفی اما معنادار وجود دارد و هر چه دوره‌ی برآورد معیار عدم تقارن زمانی سود طولانی‌تر شود، این رابطه نیز منفی‌تر می‌شود.

رضا زاده و آزاد (۱۳۸۷) رابطه‌ی بین محافظه‌کاری حسابداری و عدم تقارن اطلاعاتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان‌دهنده‌ی وجود رابطه‌ی مثبت و معنادار میان عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران و محافظه‌کاری

حسابداری است. همچنین، تغییر در عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران موجب تغییر در سطح محافظه کاری می‌شود.

بنی مهد و باغبانی (۱۳۸۸) در تحقیق خود به بررسی رابطه‌ی بین محافظه کاری حسابداری و زیان دهی شرکت‌های پذیرفته شده در بوری اوراق بهادار تهران پرداختند. نتیجه‌ی تحقیق آنها حاکی از این بود که محافظه کاری حسابداری مکانیزم قراردادی مؤثری برای محدود نمودن رفتار جانبدارانه‌ی مدیر در بیش نمایی از سود در شرکت‌های زیان‌ده بوده و از این‌رو، محافظه کاری موجب ارتقای ارزش شرکت‌های زیان‌ده در بلند مدت می‌شود.

مهرانی و محمد آبادی (۱۳۸۸)، با بررسی محافظه کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی (۱۳۸۵-۱۳۷۶) با بهره گیری از روش تجزیه تحلیل رگرسیون ترکیبی به این نتیجه رسیدند که سود حسابداری نسبت به بازدهی منفی سهام حساس تر و عدم تقارن زمانی در سود حسابداری توسط ارقام تعهدی توضیح داده می‌شود. رضائی (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه بین محافظه کاری حسابداری و هزینه سرمایه» به بررسی رابطه محافظه کاری از دیدگاه سود و زیانی (به وقوع پیوسته) و محافظه کاری از دیدگاه ترازنامه (پیش بینی شده) با هزینه سرمایه پرداخته‌است. در این پژوهش که در محدوده زمانی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ صورت پذیرفته، برای اندازه‌گیری محافظه کاری به‌وقوع پیوسته، از الگوی باسو (۱۹۹۷) با دوره چرخشی ۸ ساله، و برای اندازه‌گیری محافظه کاری پیش‌بینی شده از معیار ارزش دفتری به ارزش بازار سهام استفاده شده است. نتایج پژوهش وی حاکی از وجود رابطه منفی و معناداری بین هر دو نوع محافظه کاری و هزینه سرمایه است.

احمد خان بیگی (۱۳۸۸)، پژوهشی با عنوان "رابطه محافظه کاری و به موقع بودن سود حسابداری با اندازه شرکت و اندازه موسسه حسابرسی" انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که سودهای گزارش شده توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در انعکاس اخبار بد به موقع تر از اخبار خوب است در حالیکه روند محافظه کاری در طول دوره مورد مطالعه افزایش نیافته است. نتایج

بررسی‌ها بین دو گروه شرکت‌های بزرگ و کوچک و همچنین بین دو گروه شرکت‌های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی و شرکت‌های حسابرسی شده توسط اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران نشان داد که عامل اندازه و حسابرسی مستقل شرکت در دو ویژگی به موقع بودن و محافظه‌کارانه بودن تاثیرگذار نمی‌باشند.

مشایخی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر پایداری و توزیع سود» به بررسی رابطه محافظه‌کاری با میزان توزیع سود و پایداری آن پرداختند. آن‌ها برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از دو معیار ارقام تعهدی غیرعملیاتی و نسبت تعدیل شده ارزش بازار خالص دارایی‌ها به ارزش دفتری آن‌ها، در محدوده زمانی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ استفاده نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از این است که با افزایش محافظه‌کاری اندازه‌گیری شده با استفاده از معیار ارقام تعهدی غیرعملیاتی، توزیع سود کاهش می‌یابد اما، تأثیری بر پایداری سود ندارد. اما، در صورت استفاده از نسبت تعدیل شده ارزش بازار خالص دارایی‌ها به ارزش دفتری آن‌ها برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری، هم‌زمان با افزایش میزان محافظه‌کاری، پایداری سود کاهش می‌یابد.

فهرست منابع

- ۱- آذر، عادل و مومنی، منصور. (۱۳۸۱). آمار و کاربرد آن در مدیریت (تحلیل آماری). انتشارات سمت جلد دوم.
- ۲- اشرفزاده و مهرگان. (۱۳۸۷). اقتصاد سنجی پانل دیتا. موسسه‌ی تحقیقات تعاون دانشگاه تهران.
- ۳- بنی مهد، بهمن و باغبانی، تهمینه. ۱۳۸۸. اثر محافظه‌کاری حسابداری، مالکیت دولتی، اندازه‌ی شرکت و نسبت اهرمی بر زیان دهی شرکت‌ها. نشریه‌ی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۸۵: صص ۷۰-۵۳.
- ۴- رضازاده، جواد، آزاد، عبدالله. ۱۳۸۷. رابطه‌ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی. فصل‌نامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. شماره ۵۴: صص ۸۰-۶۳.
- ۵- زارعی، بتول. ۱۳۸۱. با اندیشمندان حسابداری جهان آشنا شویم: آریک لوییس کهلر (۱۹۷۶-۱۸۹۲) مرد اصول حسابداری. اقتصاد، ش ۱۷. صص ۶۹-۶۷.
- ۶- زراءنژاد، منصور و انواری، ابراهیم. (۱۳۸۴). «کاربرد داده‌های ترکیبی در اقتصاد سنجی». فصل‌نامه‌ی بررسی‌های اقتصادی، دوره ۲، ش ۴. صص ۵۲-۲۱.
- ۷- شباهنگ، رضا. ۱۳۸۳. تئوری حسابداری. جلد اول، سازمان حسابرسی. نشریه ۱۵۷
- ۸- شقاقی‌نژاد، فتح‌الله. ۱۳۷۲. مقررات ورشکستگی در ایران. اقتصاد، ش ۹۹ و ۱۰۰. صص ۴۳-۲۶.
- ۹- مهرانی، ساسان و مهدی محمدآبادی. ۱۳۸۸، "روش‌های اندازه‌گیری محافظه‌کاری"، مجله حسابداری، شماره ۲۰۶، ۶۳-۵۸.
- ۱۰- نوروش، ایرج و مهرانی، ساسان. ۱۳۸۷. مروری جامع بر حسابداری مالی، چاپ پنجم.

10 Ahmed, A, S, Scott Duellman. Evidence on the Role of Accounting conservatism in Monitoring Managers' Investment AAA 2008 Financial Accounting and Reporting Section. www.ssrn.com; 2008.

11 Ball, R. and Shivakumar, L. , 2005. Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness. *Journal of Accounting and Economics* 39, 83-125.

12 Basu S. 1997. The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings, *Journal of Accounting & Economics*; 24: 3-37.

13 Beaver, W. and S. Ryan. 2004. Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and Modeling. Workingpaper, Review of Accounting Studies Conference, September.

14 Biddle, G B, Ma L. Z and Song M. 2011. Accounting Conservatism and Bankruptcy Risk. www.ssrn.com.

15 Chung, R. , Firth, M. and J. Kim (2002). "Institutional Ownership and Apportunistic Earnings Management", *Journal Corporate Finance*, 8: 29-48.

16 Feltham G, Ohlson J. A. 1995. Valuation and Clean Surplus Accounting for Operating and Financial Activities, *Contemporary Accounting Research*; 11(2): 689–731.

17 Gillan, S. G. and L. T. Starks (2003). "A Survey of Shareholder Activism: Motivation and Empirical Evidence", *Contemp Finance Dig*, 10-38.

18 Givoly D. , Hayn C. 2000. The changing Time-series Properties of Earnings, Cash Flows and Accruals: Has Financial Reporting Become More Conservative?, *Journal of Accounting and Economics*; 29(3): 287- 320.

19 Hui, K. W, Klasa, S. and Yeung, E. , 2009. Corporate Suppliers and Customers and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting and Economics* 47, 192-207.

20 Klein A, Marquardt C. 2006. Fundamentals of Accounting Losses. *The Accounting Review*; 81(1): 179–206.

21 LaFond, R. , Watts, R. , 2008. The information role of conservatism. *The Accounting Review* 83 (2), 447–478.

22 Li, X. , 2010. Accounting Conservatism and the Cost of Capital: International Analysis. Working paper, London Business School.

23 May. G. 1948. "Postulates of Income Accounting". *The Journal of Accountnacy*. P. 108.

24 Miller, Y. 2002. Cash from operation and earning management. International Journal of Accounting.

25 Pae, J.; D. Thornton and M. Welker, 2005. The Link Between Earnings Conservatism and The Price to Book Ratio. Contemporary Accounting Research, Vol 22 No. 3, pp 693-717.

26 Price, R.A. 2005. Accounting Conservatism and The Asymmetry in The Earnings Response to Current and Lagged Returns. Working paper.

27 Ryan S. 2006. Identifying Conditional Conservatism. European Accounting Review; 15 (4): 511-525.

28 Raymond, J. and Chambers, S. 1966. Accounting valuation and Economic Behavior. P 204.

29 Sprouse, T and Moonitz, M. A Tentative Set of Broad Accounting Principles For Business Enterprises: Accounting Research Study No 3 (AICPA 1962), p. ix.

30 Watts Ross, Zimmerman Jerold. 1978. Towards a Positive Theory of the Determinants of Accounting Standards. The Accounting Review .

31 Watts R. L. 2003. Conservatism in Accounting, Part I: Explanations and Implications, Accounting Horizons; 17(3): 207-221.

32 Wight, D and Ladd, R. Contemporary Corporate Accounting and the Public (Richard, D. 1963) P. 44.

33 Zhang, J. , 2008. The Contracting Benefits of Accounting Conservatism to Lenders and Borrowers. Journal of Accounting and Economics 45, 27-54.